

کردستان

ارگان حزب دموکرات کردستان ایران

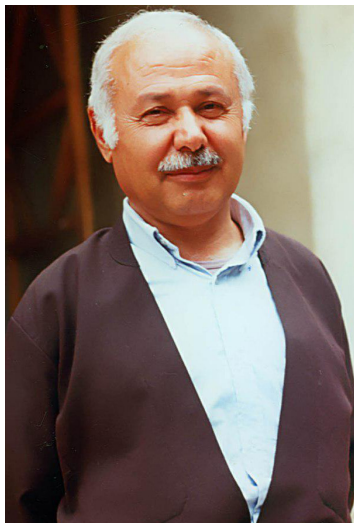
www.kurdistanmedia.com

شماره ۸۵۴ | چهارشنبه ۱۵ شهریور ۱۴۰۲ | ۶ سپتامبر ۲۰۲۳
تامین حقوق ملی خلق کورد در چهارچوب ایرانی دموکراتیک و فدرال

دموکراسی و مسئله حق تعیین سرنوشت

دموکراسی بدون توجه به حقوق اقلیتها و ملیتها خالی از محتوی است. باید این حقیقت را پذیرفت که مردم ایران تنها فارسها نبوده تا در عمل و زیر نام ایرانی بودن، موجودیت سایر ملل را انکار کنند. من کورد را ناچار کرده‌اند به جای زبان مادری‌ام، نخست با زبان فارسی بنویسم و عملاً هویت خود را کنار بگذارم. من معتقدم نیروهایی که مایل به کار جمعی و مشترک هستند باید حداقل بر سر مسائل اصلی به توافق برسند، وگرنه چطور می‌توانند همکاری داشته باشند؟ در حال حاضر همه‌ی نیروهای سیاسی ایران در مورد دموکراسی صحبت می‌کنند، اما برای ما جوهره‌ی این دموکراسی مهم است. ما وارد ائتلافی نخواهیم شد که اعضای آن مخالف مسئله خودمختاری باشند. چرا که به هر حال مشکل و تضاد بر سر این مسئله با اهمیت در آینده به احتمالاً زیاد وجود خواهد داشت. مشخص است که ما گفت‌وگو و رایزنی با طرفین را رد نمی‌کنیم و با وجود مخالفت اصولی‌امان، اما حاضریم با آن‌ها بر سر مسائل مختلف دیدار داشته باشیم و، معتقدیم در این دیدار و گفت‌وگوها است که می‌توان آرام آرام همدیگر را بهتر شناخت و این شناخت جدید به تشریک مساعی و نزدیکی بیشتر مواضعمان بیانجامد.

د. صادق شرفکنندی، گفت‌وگو با ماهانه "راه آزادی"



تا پای جان ایستاده‌ایم

انقلاب ژینا تا دستیابی به اهدافش پیش خواهد رفت

فراخوان احزاب و نیروهای سیاسی کردستان ایران جهت اعتصاب عمومی ۲۵ شهریور

مردم مبارز کردستان!
مبارزان سیاسی و مدنی!

۲۵ شهریور ۱۴۰۱، ژینا امینی دختر جوان کورد اهل سقز در شهر تهران بر اثر حمله‌ی نیروهای ضارب و سرکوبگر رژیم جان خود را از دست داد. نام (ژینا) همانگونه که بر سنگ مزارش نوشته شد، به "رمز" قیام مردمی گسترده‌ای تبدیل شد که از کردستان با شعار "زن، زندگی، آزادی" آغاز گردید و چندی نپایید سراسر شهرها و مناطق ایران و حتی خارج از کشور را فرا گرفت و در ادامه‌ی خود به "انقلاب زن، زندگی، آزادی" شهرت یافت. انقلاب ژینا مردمی‌ترین و طولانی‌ترین اعتراض و خیزشی است که توانسته حاکمیت جمهوری اسلامی را به چالش بکشد و در جهت سقوط این رژیم سرکوبگر گام بردارد.

در مدت یکسال گذشته و در روند این انقلاب، جنبش آزادی‌خواهانه‌ی مردم ایران بطور عموم و علی‌الخصوص مردم کردستان علیه رژیم حاکم بر ایران مرحله‌ی نوین و مردمی‌ای جدیدی را تجربه کرده و گامهای قاطعانه‌ای برداشته که توقفناپذیر و غیر قابل بازگشت است. نقش چشمگیر زنان در پیشاهنگی این انقلاب، جامعه‌ی ما را از لحاظ اجتماعی یک گام بزرگ به جلو برده و افق پیروزی را روشنتر کرده است. جوانان در اوج جانفشانی در راه یک زندگی آزاد و مطلوب فداکاری کم‌نظیری از خود نشان می‌دهند.

در سالگرد سربرآوردن انقلاب ژینا جا دارد به نشانه‌ی تجلیل از یاد و خاطره‌ی شهدای این انقلاب نوین و تقدیر از قربانیان و زندانیان سیاسی و زنده نگه‌داشتن جنبش سیاسی، با شکوه تمام به استقبال این بزرگیاد سیاسی و اجتماعی برویم. در این رابطه پس از چند بار دیدار و رایزنی سیاسی، روز چهارشنبه ۱۵ شهریور ۱۴۰۲ خورشیدی، احزاب سیاسی کردستان ایران که عبارتند از:

- حزب دموکرات کردستان ایران
- کومه‌لە (سازمان کردستانی حزب کمونیست ایران)
- حزب حیات آزاد کردستان (پژاک)
- سازمان خیانت کردستان ایران
- حزب آزادی کردستان (پاک)
- کومه‌لە زحمتکشان کردستان

بر نکات زیر به توافق رسیدند:

- ۱- حمایت از خواست فعالین جامعه‌ی مدنی و تشکلهای مستقل به منظور تجلیل و شرکت فعالانه در سالروز انقلاب زن، زندگی، آزادی.
- ۲- تعیین روز ۲۵ شهریور، به عنوان روز اعتصاب عمومی در سراسر کردستان. در این روز همه‌ی مغازه‌ها و بازار و محلهای کار و اداره‌جات تعطیل خواهند بود؛ بامداد این روز (۲۵ شهریور)، مردم کردستان بر سر مزار ژینا جوانمرد و کلیه‌ی شهدا و جانبازان انقلاب "زن، زندگی، آزادی" در شهرها و روستاهای کردستان حضور یافته و با نثار گل بر مزار آنان مراسم گرامیداشت شهدا را برگزار خواهند کرد.
- ۳- از کلیه‌ی مردم آزادی‌خواه ایران (زنان، جوانان، کارگران، معلمان، بازنشستگان، فعالان محیط زیست و ملت‌های تحت ستم) در سراسر ایران می‌خواهیم که از اعتصاب عمومی مردم کردستان حمایت کرده و با اعتصاب عمومی به همه نشان دهند که انقلاب "زن، زندگی، آزادی" تا رسیدن به اهداف خویش کماکان ادامه دارد.
- ۴- از تمامی مبارزان انقلابی، نیروها و جریانهای ترقی‌خواه در خارج از کشور می‌خواهیم به هر نحو ممکن از اعتصاب عمومی ۲۵ شهریور حمایت به عمل آورده و در این روز با برپایی راهپیمایی و تجمعات مردمی توجه مردم بشردوست جهان به حمایت از انقلاب ژینا جلب نمایند.
- ۵- هرکدام از احزاب و نیروهای سیاسی کورد حاضر در این نشست، حمایت و شرکت خود در اعتصاب عمومی روز "۲۵ شهریور" و مراسمات برگزار شده بر سر مزار شهدا و جانبازان را اعلام می‌دارند.

۱۵ شهریور ۱۴۰۲
(۶ سپتامبر ۲۰۲۳)

زن
زندگی
آزادی

تا پای جان
ایستاده‌ایم



فراخوان احزاب کردستان ایران برای اعتصاب عمومی در ۲۵ شهریور

ایران رکورددار محدودیت‌های اینترنتی در دنیا شد



وبسایت "سرفشارک"، که در زمینه دسترسی به اینترنت آزاد فعالیت دارد، می‌گوید یک‌سوم از کل محدودیت‌های اینترنتی جدید اعمال شده در سراسر جهان سهم ایران است. این گزارش می‌گوید اعتراضات عامل اصلی محدودیت‌های اینترنتی اعمال شده توسط جمهوری اسلامی بوده و رژیم به عنوان یکی از ابزار سرکوب معترضان، اقدام به تشدید فیلترینگ و محدودسازی دسترسی کاربران داخل به اینترنت کرده است. "سرفشارک" با اشاره به اینکه "اینترنت یک میدان جنگ برای اطلاعات حیاتی در دوره‌های ناآرامی‌های داخلی است"، می‌گوید ۸۰ درصد کاربران داخل ایران از فیلترشکن استفاده می‌کنند، زیرا حکومت دسترسی کاربران به فیس‌بوک، ایکس (توییتر سابق) و پیام‌رسان‌هایی مانند تلگرام، وایبر و وی‌چت، اینستاگرام و واتس‌آپ را مسدود

کرده است. اما با وجود تلاش نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی برای جلوگیری از دسترسی کاربران داخل به شبکه‌های اجتماعی، کاربران همچنان با دور زدن محدودیت‌ها و استفاده از وی‌پی‌ان راهی برای مشارکت در این پلتفرم‌ها پیدا کرده و میزان استفاده از فیلترشکن در بین کاربران به‌قدری بالاست که "یک بازار ۲۰ هزار میلیارد تومانی" به وجود آمده است.

مصطفی هجری:

جهت سرنگونی جمهوری اسلامی و تشکیل یک ایران دموکراتیک باید تنها به نیروی خود متکی باشیم



مقدمه: کاک مصطفی هجری، مسئول مرکز اجرایی حزب دموکرات کوردستان ایران در تازه‌ترین مصاحبه‌ی خود با شبکه‌ی تلویزیونی "کوردکانال" به جایگاه و پایگاه حزب دموکرات در معادلات داخلی کوردستان، ایران و جهان اشاره کردند. در این مصاحبه ایشان همچنان به موضوعاتی همچون تأثیرات اتحاد مجدد حزب دموکرات، فاز جدید رویارویی حزب دموکرات و مردم کوردستان با جمهوری اسلامی و افق تحولات ایران در آستانه‌ی سالگرد قتل حکومتی ژینا پرداختند. "کوردستان میدیا" گزیده‌هایی از این مصاحبه را بازنشر کرده است.

پایگاه حزب دموکرات در ۷۸مین سالروز حیات خود

هنگامیکه تاریخ، فعالیت و پیروزیها و ناکامیهای یک حزب را مورد کنکاش قرار می‌دهیم، پیش از هرچیز باید به شرایطی که حزب در آن قرار داشته توجه کنیم و قضاوتمان بر این اساس باشد. در رابطه با حزب دموکرات کوردستان کوردستان ایران باید گفت که درست است که حزب ما در روزهای اخیر ۷۸مین سالروز تأسیس خود را جشن گرفت، اما رهبری آن به مدت ۷۰ سال و به بهانه‌ی اینکه حزب دموکرات یک حزب غیرقانونی است، در تبعید به سر برده است. در داخل نیز اعضای حزب تحت شدیدترین سرکوبها و فشارها و زندان و شکنجه و اعدام قرار داشته‌اند. در چنین شرایطی بخش کثیری از اعضای حزب در زندانها اعدام شده و یا اموالشان مصادره گردیده و ناچار از ترک وطن گشته‌اند، این حزب در چنین شرایطی قرار داشته است. اما علی‌رغم همه‌ی اینها معتقدم که با وجود این پیشینه‌ی تلخ، حزب دموکرات یک حزب موفق بوده و تنها حزب قدرتمند کوردستان ایران است و حرف اول را می‌زند. حزبی که نیرو و انرژی خود را از توده‌های مردم کوردستان می‌گیرد. در طول این مدت حزب دموکرات کوردستان ایران در راه آرمانهای راستین خویش و خواستها و مطالبات مردم خود در راستای تحقق حقوق ملی خلق کورد در ایران تلاش کرده‌است. در این مدت طولانی هیچگاه از مشی اصلی خود عدول نکرده است. بدون تردید این امر یکی از دلایلی است که مردم همواره از حزب دموکرات کوردستان ایران حمایت کرده‌اند. حزب دموکرات علی‌رغم همه‌ی مصائب نظیر انشعابها و ترورها توانسته سرفرازانه کمر راست کرده و به راه خود ادامه دهد. می‌توان بگویم که این یک ارزیابی کوتاه از سابقه حزب دموکرات بوده که برای همه و پیش از همه مردم مبارز و فداکار کوردستان ایران و در صدر آنها نیز خانواده‌ی شهیدایمان که در این راه شهید داده‌اند مایه افتخار بوده و این پیروزی به آنان بازمی‌گردد. یکبار دیگر به همه‌ی آنان درود می‌فرستم و برای من مایه‌ی مباهات است که در حزبی فعالیت دارم که مردمی آگاه و هشیاری دارد که برای حقوق ملی خویش تلاش می‌کنند.

پایگاه حزب در معادلات سیاسی داخلی، منطقه‌ای و جهانی

پس از آنکه سال گذشته حزب دموکرات صفوف خود را متحد ساخت، در واقع بیش از گذشته مایه‌ی امیدواری مردم در کوردستان ایران گشت و جایگاه و پایگاه حزب دموکرات افزایش یافت. توانست روحیه‌بخش باشد تا مردم مبارزه‌ی خود را با نیرو و توان بیشتری به پیش ببرند. ما با اتحاد مجدد خود این پیام سیاسی را به مردم خویش دادیم که دوران انشقاقها، عداوت با یکدیگر و تحقیر همدیگر و مسائلی از این قبیل به پایان رسیده و ضرورت ایجاب می‌کند که به یکدیگر تکیه کنیم و همه دوش بدوش یکدیگر تلاش نماییم. این اتحاد مجدد بویژه در جنبش ژینا چه در داخل کوردستان و چه در سطح ایران تأثیرگذار بوده‌است. اکنون حزب دموکرات هم در

کوردستان ایران و هم در میان مردم ایران و اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران جایگاه و پایگاه متفاوت‌تری نسبت به گذشته دارد و همه به حزب امید بسته‌اند. بویژه که مشاهده می‌کنیم در نتیجه‌ی فشار و اختناق رژیم جمهوری اسلامی، بخشی از اپوزیسیون ایرانی که در ابتدای برسرکار آمدن جمهوری اسلامی نیروی چشمگیری داشتند، دچار انشقاق و انشعاب شده‌اند. بخش کثیری از آنها به خارج از کشور روی آورده‌اند و آنهایی هم که در داخل کشور باقی مانده‌اند، شمارشان اندک بوده و تأثیر چندانی بر مردم ندارند. اینکه حزب دموکرات علی‌رغم همه‌ی این فشار دوباره کمر راست نموده و از شکستها تجربه کسب کرده، در واقع پایگاه حزب دموکرات را در میان مردم و حتی بین مجامع و محافل بین‌المللی ارتقاء بخشیده و همه بر روی سیاست و برنامه‌هایش حساب می‌کنند. بدیهی است که حزب دموکرات همواره از پایگاه در خور خویش برخوردار بوده است، لیکن تردیدی نیست که هنگامیکه در حزب دموکرات انشعاقی رخ داد، مردم مایوس شدند و رژیم جمهوری اسلامی نیز بیشتر برای آنان آیه‌ی یأس خواند. اما وقتی که حزب وحدت صفوف خود را باز می‌یابد، بدون تردید اعتبار آن افزایش یافته و اعتماد و اطمینان مردم را بیشتر کسب خواهد کرد تا بدور آن گردآیند.

نقشه‌راه حزب دموکرات کوردستان ایران برای آینده

با توجه به نکاتی که در مورد پایگاه حزب دموکرات کوردستان ایران گفتم، بسیار طبیعی است که جمهوری اسلامی خصومت و شدت عمل و سرکوب خود را در خصوص حزب دموکرات کوردستان و فعالیت‌های آن و فراتر از این علیه مردم کورد در کوردستان ایران به دلیل حمایت گسترده‌ای که از حزب دموکرات به عمل می‌آورند، افزایش دهد. اما تجربه نشان داده‌است که هیچکدام از این فشارها و برنامه‌های نادرستی که رژیم جمهوری اسلامی داشته و سیاست‌های ضدانسانی که در پیش گرفته است نتوانسته مردم کورد و حزب دموکرات کوردستان ایران و آزادی‌خواهان ایران را به سکوت وادارد. بنابراین برای ما به عنوان حزب دموکرات کوردستان ایران نیز این مشی مبارزه‌ی ملی که به منظور تحقق ابتدایی‌ترین حقوق خلقمان در پیش گرفته‌ایم در آینده نیز به‌قوت خود باقی خواهد ماند.

برنامه‌ییمان در رابطه با این سیاست تغییر نکرده و روز به روز نیز برایمان روشن می‌شود که راهی را که در پیش گرفته‌ایم، راه درستی است. راهی که خواسته‌ی مردم بوده و از آن حمایت می‌کنند، به همین دلیل ما با هرگونه امکانی که داشته باشیم کم و بیش از این طریق به مبارزه‌ی خویش ادامه می‌دهیم. اطمینان دارم که رژیم جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند مبارزه‌ی حزب دموکرات کوردستان ایران، خلق کورد و همه‌ی آزادی‌خواهان ایران را به سکوت واداشته و به اهدافش برسد، این مردم هستند که پیروز این میدان می‌باشند.

تهدیدات جمهوری اسلامی و مسئله‌ی خلق سلاح حزب دموکرات

علیرغم آنکه جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدا با حزب دموکرات خصومت ورزیده‌است، اما پایگاه حزب

دموکرات روزه روز قدرتمندتر شده و رژیم نیز در مقابل بر فشار خود افزوده است. طبیعی است اکنون نیز که ما در سالگرد تأسیس حزب دموکرات کوردستان ایران هستیم و به نخستین سالروز جنبش ژینا نیز نزدیک می‌شویم، جمهوری اسلامی نگران بوده و دچار ترس و وحشت گردد؛ از این رو است که تهدیدات خود را شدت بخشیده‌است. یکی از مسائلی هم که از آن سخن به میان می‌آورند، موضوع سلاح است. پیش از هرچیز ما به عنوان حزب دموکرات کوردستان ایران، از همان ابتدا عاشق اسلحه نبوده و به میل خود سلاح به دست نگرفته‌ایم، بلکه ما از همان اوایل به شیوه‌ی مدنی و با مذاکره خواهان آن بوده‌ایم خواستها و مطالبات خلق کورد را با رژیم جمهوری اسلامی در میان گذاشته و آنها را حل و فصل نماییم. اما این رژیم جمهوری اسلامی بوده که در مقابل مطالبات ما که خواستهای انسانی و امروزی بودند، حزب دموکرات کوردستان ایران را منحل اعلام کرد، به کوردستان حمله کرد، مبارزان ما را بازداشت و اعدام کرد و این سیاست را تا به امروز هم ادامه داده است. یعنی در واقع هیچ راهی برای ما باقی نگذاشته و ناچار شده‌ایم که برای دفاع از خود به اسلحه متوسل شویم. تا این شرایط بر کشورمان حکم فرما باشد، این حق ماست و با هرگونه امکاناتی که در اختیار داریم و با تمام توان علیه رژیم مبارزه می‌کنیم. اگر اوضاعی که ما را ناچار کرد که سلاح به دست بگیریم تغییر کند، طبیعی است که شرایط تغییر خواهد کرد. یعنی اگر چنان اوضاعی در ایران و کوردستان ایران حاکم گردد که بتوانیم نظیر همه‌ی مردم جهان مرفقی که به مطالباتشان توجه شده و امنیتشان حفظ شده است، می‌توان موضوع اسلحه در حزب دموکرات را مورد بحث قرارداد. شاید آن زمان اسلحه استفاده‌ای نداشته باشد. لیکن تا زمانیکه این شرایط حاکم است، حزب دموکرات برای دفاع از خود، اسلحه به دست داشته و از آن استفاده خواهد کرد. موضوع دیگری که مایلیم به آن اشاره کنم آن است که ما با اجازه‌ی جمهوری اسلامی ایران اسلحه به دست نگرفته‌ایم که با خواست او اسلحه‌ی خود را بر زمین بگذاریم. لذا این موضوع نیز بخشی از سیاست‌های حزب دموکرات خواهد بود. همانگونه که ما فعالیت اطلاع‌رسانی و دیپلماتیک و انواع کارهای ارگانی داریم، اسلحه نیز بخشی از آنهاست و برای حمله نبوده بلکه صرفاً جنبه‌ی دفاعی دارد.

دستاوردها و کارنامه‌ی حزب دموکرات در نخستین سالروز اتحاد مجدد

پیش از هرچیز مایلیم بگویم که ما در تاریخ حزب دموکرات کوردستان ایران انشقاق و اتحاد متعددی داشته‌ایم. در کلیه‌ی انشعابها نیز مردم دچار شوک شده‌اند، گلایه داشتند و در اتحادها نیز خوشحال شده‌اند. اما اتحاد مجدد اخیر از آنهای دیگر متمایز بود. شاید بخشی از این تفاوت به شرایط حاکم باز گردد. زیرا رژیم جمهوری اسلامی ایران در شرایطی بود که روزه‌روز ضعیف‌تر می‌شد و با گسترش نارضایتی مردم علیه حاکمیت مواجه بود. همچنین پیش‌بینی می‌شود که خیزش گسترده‌ای در ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی آغاز گردد و رژیم را در مسیر سرنگونی قرار دهد. هنگامیکه در چنین شرایطی حزب دموکرات کوردستان متحد می‌گردد، اهمیت آن به مراتب از اتحادهای پیشین بیشتر است، تأثیرات آن را نیز همانگونه که عرض کرد، مردم در خیابان و در جنبش ژینا به خوبی نشان دادند و از آن استقبال کردند.

علاوه بر اینها بر نشان دادن سیمای واقعی حزب دموکرات کوردستان ایران بر مردم ایران هم تأثیرگذار بود. به همین دلیل هرچند یکسال برای این اتحاد مدت کوتاهی است و بویژه بدلیل حمله‌ی موشکی‌ای که علیه ما انجام گرفت، قرارگاه‌هایمان مقداری پراکنده شدند، اما علی‌رغم همه‌ی اینها معتقدم که اقدام بسیار تاریخی‌ای بود و حتی تأثیرات آن در آینده بیشتر نمایان خواهد شد. من امیدوارم این اتحاد بطور روزافزونی موجب نیرومندتر شدن حزب دموکرات کوردستان ایران گردد و تنها به این اتحاد بسنده نکنیم و تلاش کنیم به اتفاق همه‌ی نیروهای دیگر کوردستان ایران و سراسر ایران که در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران مبارزه می‌کنند، ایران پس از رژیم جمهوری اسلامی را بنیان بگذاریم و روزهای سیاه حاکمیت جمهوری اسلامی دیگر ادامه نداشته باشد.

مانورهای دیپلماتیک ایران، پیروزی سیاسی یا چیز دیگر؟

آنچه ایران طی این مدت انجام داده‌است، نظیر تبادل شماری زندانی با آمریکا که از سوی ایران به گروگان گرفته شده بودند، بهبود مناسبات با کشوری چون عربستان، یا آزاد شدن چند میلیارد دلار دارایی بلوکه شده‌ی ایران در کره‌ی جنوبی، ایران چند سال پیش هم می‌توانست آن را انجام دهد و موفقیت چندانی بشمار نمی‌آید و حتی نشانه‌ی ضعف این رژیم است. اما به وقت خود جمهوری اسلامی طبق سیاست ایدئولوژیک خود به آنها توجه نمی‌کرد و اکنون پس از چند سال با تقبل شروط بیشتری به آنها تن داده‌است. وانگهی این پولی نیست که آمریکا به آن پرداخته باشد، بلکه پول خود رژیم است که سالها پیش می‌توانست با در پیش گرفتن یک سیاست درست آن را آزاد کرده و مورد استفاده قراردهد. بنابراین من این موضوع را پیروزی نمی‌دانم، بلکه معتقدم که هیچ فرصتی برای رژیم باقی نمانده، غیر از اینکه در مقابل خواستهای طرف مقابل که با آنها طرف معامله است امتیاز بیشتری داده و عقب‌نشینی فزونتری انجام دهد تا بتواند دستاوردهایی کسب نماید.

این شرایط است که جمهوری اسلامی در آن به سر می‌برد، اما اگر به کلیت مسئله بازگردیم نظیر مسئله‌ی دیپلماسی، در واقع مناسبات امروز جهان براساس مصالح و منافع پی‌ریزی شده است. هنگامیکه دولت‌های پیشرفته با طرف‌های مقابل خود به مذاکره می‌نشینند، برسر منافع و

جنگ افروزی رژیم علیه حزب دموکرات، عراق و آمریکا برای فرار از بحران‌های داخلی است

اشاره: پس از آنکه ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت خارجه رژیم ایران در یک کنفرانس مطبوعاتی به اجرای قرارداد امنیتی بین ایران و عراق پرداخته و اعلام کرد مهلت تعیین شده آخرین فرصت برای خلع سلاح احزاب کوردستانی مخالف جمهوری اسلامی و تعطیلی قرارگاه‌های آنان است؛ سخنگوی حزب دموکرات کوردستان در گفتگوی با تلویزیون "ایران اینترنشنال" و "رادیو فردا" موضع‌گیری و نقطه‌نظرات حزب دموکرات در این رابطه را اعلام کرد.



ایران و احزاب کرد در عراق | سخنگوی حزب دموکرات کوردستان ایران

عراق است. برای همین در ایام سالگرد انقلاب ژینا می‌خواهد آن را بهانه‌ای برای تداوم اقدامات تجاوزکارانه و مداخله‌جویانه‌ش قرار دهد. از همین روی این جزو وظایف مقامات دولت عراق، سازمان ملل متحد و احزاب و جریان‌های سیاسی و سازمان‌های مختلف بین‌المللی و داخلی در عراق است که با قبول مسئولیت از جان پناهندگان و احزاب سیاسی کوردستان ایران که در خاک این کشور فعالیت می‌کنند حفاظت کرده و از آنان حمایت کنند. ما همیشه گفته‌ایم ایدا لازم نیست حزب دموکرات کوردستان ایران پیشمرگان خود را جهت فعالیت سیاسی و نظامی به داخل خاک کوردستان ایران اعزام کند، زیرا همگان می‌دانند جنبش اعتراضی مردمی و وسیع کوردستان و اتحاد و هم‌دلی مردم کوردستان با سایر مناطق ایران همگی باهم جمهوری اسلامی را با بزرگترین بحران روبه‌رو ساخته است. برای همین لازم نیست ما این راه را پیش رو قرار دهیم، اما سیاست جمهوری اسلامی برای عبور از انبوه بحران‌های سیاسی در داخل جنگ‌افروزی بوده و می‌خواهد، ما (احزاب کوردستان ایران)، آمریکا و عراق را به این جنگ و رویارویی تحمیلی بکشاند.

سخنگوی حزب دموکرات در پاسخ به این سوال که آیا نگران نیستید به سرنوشت سازمان مجاهدین خلق دچار شوید؟ گفت: چنین موضوعی مطرح نیست. نخست اینکه روابط میان احزاب کوردستان ایران و حکومت اقلیم کوردستان و مردم و ملت کورد در کوردستان ایران و مردم کوردستان عراق بسیار حسنه است. بعد اینکه احزاب و سازمان‌های غیر کوردستانی در بغداد هم با توجه به شناختی که از تاریخ جنبش سیاسی کورد در ایران و سوابق مبارزاتی حزب دموکرات دارند، می‌دانند حزب ما نه تنها به دنبال ستیزه‌جویی و بحران‌آفرینی نیست، بلکه همواره خواستار حل مسئله ملت کورد از طریق گفتگو و مسالمت‌آمیز بوده است. ترور د. عبدالرحمن قاسملو، رهبر حزب دموکرات بر سر میز مذاکره برای حل مسئله کورد توسط دیپلمات تروریست‌های جمهوری اسلامی نیز مصداق این واقعیت است.

کاک خالد عزیزی در بخش پایانی گفتگوی خود با "ایران اینترنشنال" این چنین نتیجه‌گیری کرد: ما برای روابط سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک اقلیم کوردستان و بغداد با رژیم جمهوری اسلامی نهایت احترام قائلیم و این را حق طبیعی آنان میدانیم؛ اما باز می‌گوییم که ما بخشی از بحران نیستیم، بلکه این جمهوری اسلامی است که به منظور منحرف‌کردن افکار عمومی و فرار از بحران‌های داخلی در ایران در پی بحران‌زایی بوده و برای نیل به این هدف به جنبش سیاسی کوردستان پیله کرده است. برای همین مقامات اقلیم کوردستان و بغداد و ما احزاب کوردستان ایران تمامی سعی‌امان این است به راه‌حلی دست یافته و مانع بهانه‌تراشی‌های جمهوری اسلامی شویم.

سخنگوی حزب دموکرات کوردستان در مصاحبه‌ای دیگر با "رادیو فردا" ضمن شفاف‌سازی و تأکید بر سیاست و نقطه‌نظرات حزب دموکرات اعلام کرد، اینکه رژیم ایران از مقامات دولت عراق بخواهد از این کشور مورد حمله قرار نگیرد، می‌توان گفت جایز و قانونی است. اما ما سالیان متمادی است از خاک اقلیم کوردستان هیچ تهدید نظامی متوجه جمهوری اسلامی نساخته و به تعهدات خود به اقلیم کوردستان و کشور عراق پایبند بوده‌ایم. اما اینکه رژیم ایران می‌خواهد ما در کشور عراق خلع سلاح شویم نه چنین چیزی ممکن است و نه قانونی می‌باشد و قوانین و مقررات بین‌المللی نیز چنین اجازه‌ای نخواهد داد. زیرا این مشخصا به دولت عراق مربوط بوده و این خواسته‌ی ایران هم به معنای دخالت در امور داخلی کشوری دیگر بوده و هم غیرقانونی است.

کاک خالد عزیزی در پاسخ به این سوال که پاسخ شما به حکومت اقلیم کوردستان و حکومت مرکزی بغداد در رابطه با تهدیدات جمهوری اسلامی چیست، گفت: ما در دیدار با مقامات حکومت اقلیم کوردستان با تأکید بر سیاست خود که حزب دموکرات هیچ وقت در امور داخلی عراق دخالت نکرده و خاک این کشور را به پشت جبهه‌ی خود در نبرد با جمهوری اسلامی تبدیل نساخته است، گفتگو کرده‌ایم. بویژه همه می‌دانند که در چند سال گذشته حزب دموکرات نیروهایی پیشمرگ خورد را به داخل خاک کوردستان ایران اعزام نکرده است، به همین دلیل تمام ادعاهای جمهوری اسلامی واهی و تنها بهانه‌تراشی است. مقامات حکومتی عراق نیز تاکنون در خصوص خلع سلاح ما چیزی مطرح نکرده‌اند. من معتقدم آنچه رژیم ایران از آن بیمناک است به ۲۵ شهریورماه سالگرد کشته شدن ژینا امینی و آمادگی مردم کوردستان برای موج جدیدی از اعتراضات مردمی و پیامدهای آن برمی‌گردد. برای همین رژیم می‌خواهد از این طریق افکار عمومی مردم ایران را منحرف ساخته و تمامی تبلیغاتش بر این استوار است که وانمود کند در مناطق مرزی ایران و اقلیم کوردستان ناامنی و خلاء امنیتی وجود دارد تا شرایط جنگی بیشتری بر این مناطق حاکم کند.

سخنگوی حزب دموکرات کوردستان ایران در پاسخ به این سوال که واکنش مقامات حکومتی اقلیم کوردستان به التیماقیوم جمهوری اسلامی چه بوده و موضوع انتقال آنان به کمپ و قرارگاه‌های جدید در غرب اقلیم کوردستان چیست، گفت: ما طی این مدت به‌طور مداوم با مسئولان حکومتی اقلیم کوردستان در گفتگو بوده‌ایم و مسئله‌ی خلع سلاح حزب دموکرات آنطور که جمهوری اسلامی از آن سخن می‌گوید به هیچ وجه وجود ندارد. دلیلش هم این است که مقامات عراقی بر این واقفاند در این کشور تمامی سازمان و احزاب سیاسی باید امنیت داشته و کاملا بر این امر آگاه هستند که حزب ما هیچ تهدید نظامی علیه حاکمیت و امنیت جمهوری اسلامی ایجاد نکرده و خاک عراق را به میدان نبرد با جمهوری اسلامی تبدیل نکرده است. کمپ‌های ما هم سکونت‌گاه پناهندگان و اعضای حزب و خانواده‌هایشان در این کشور بوده که هم مقامات حکومت عراق و هم سازمان ملل متحد می‌دانند که مردم غیرنظامی و مدنی در آنجا سکونت داشته و ما هیچ‌گاه از این کمپ‌ها نیز برای اهداف نظامی استفاده نکرده‌ایم. طی حملات موشکی اخیر جمهوری اسلامی به کمپ‌های ما نیز دیدید که زن و کودک کشته شده و مدارس کودکان هدف این حملات قرار گرفتند. برای همین اگر جمهوری اسلامی مستمر بخواهد به سیاست‌های خود در این خصوص ادامه دهد، قرارگاه‌های ما هر کجای خاک اقلیم کوردستان و حتی ۱۰۰ کیلومتر دورتر از مکان سکونت کنونی ما نیز باشد، فرقی نمی‌کند و باز این موضوع را پیش کشیده و به بهانه‌جویی‌های خود ادامه خواهد داد.

کاک خالد در تبیین موضع حزب دموکرات در قبال تهدیدات جمهوری اسلامی گفت: در این شرایط می‌بینیم که متأسفانه آسمان کشور عراق بی‌دفاع است و تمام این کشور به بخشی از برنامه‌ی تخریبی، آشوبگرانه و بحران‌زای جمهوری اسلامی تبدیل شده و رژیم علنا در امور داخلی این کشور دخالت می‌کند. دیدیم که پس از حملات رژیم به کمپ پناهندگان سیاسی کورد ایرانی در خاک عراق شماری از آنان کشته و زخمی شدند که بخشی از آنان زن و کودک بودند و ما نتوانستیم در مواجهه با حملات موشکی رژیم از خود دفاع کنیم.

واقعیت و اصل مطلب این است که جنبشی سیاسی-مدنی وسیع، فراگیر و نیرومند در داخل کوردستان ایران رژیم جمهوری اسلامی را مستاصل کرده و رژیم در پی فراق‌کنی و نیز انتقام‌جویی از حزب ما در خاک کوردستان

ادامه‌ی صفحه‌ی ۲

موجود

پیشتر نیز گفته‌ایم که رژیم‌ی که قصد دارد مشکلات و معضلات عصر حاضر را با ایدئولوژی هزار سال پیش حل و فصل نماید و اصولا اهمیتی به آن نمی‌دهد، طبیعی است که روزبه‌روز بر بحران‌هایش افزوده شود.

مردم اوایل برسرکار آمدن جمهوری اسلامی شناخت چندانی از آن نداشتند. آنها به مردم وعده و وعید می‌دادند و مردم نیز بنا به دلایلی از آن حمایت می‌کردند. اما با گذشت زمان که ماهیت این رژیم برای مردم روشن شد، همه دریافتند که سیاست‌های جمهوری اسلامی در سطح داخلی و خارجی بحران‌زاست و عقلانیتی نیست که برسرکار است، نه تنها عقلانیتی نیست که بتواند بحران‌ها را حل و فصل نماید، بلکه روزبه‌روز بر آنها می‌افزاید. اکنون مشاهده می‌کنیم بحران‌هایی که ایران از همان ابتدای برسرکار آمدنش با آنها مواجه بوده نه تنها حل و فصل نشده‌اند، بلکه چندین برابر افزایش یافته‌اند و این روند کماکان ادامه دارد.

طبیعی است که در چنین شرایطی مردم

وجود آنکه موجب از دست دادن ژینای عزیزمان، شهادت بیش از یکصد نفر، شکنجه و بی‌حرمتی علیه مردم که شماری از آنها هنوز هم در زندان به سر می‌برند، گردید، اما جمهوری اسلامی ایران از مردم کورد می‌ترسد و نگران است. من پیام اتحاد برای مردمان دارم و معتقدم که مردم در آستانه‌ی جنبش ژینا، مجددا در حد توان و امکانات خویش اعتصاب و تظاهرات به راه می‌اندازند و ضدیت خود را با رژیم نشان می‌دهند.

همچنین امیدوارم که این مبارزه و رویارویی یکبار دیگر همراه با همه‌ی مردم آزادی‌خواه ایران شکلی متحدتر بخود بگیرد. ما نیز به عنوان حزب دموکرات کوردستان ایران، بدون تردید حامی این قیام و خواسته‌های مشروعی هستیم که مردم در خیابانها مطرح می‌سازند. این حق آنهاست، مردم کورد و همه‌ی آزادی‌خواهان ایران شایسته‌ی یک زندگی بهتر، با کرامت‌تر و امروزی‌تر هستند. من پیروزی نزدیکتری را برای آنها آرزو مند.

جهان، نتوانسته برای همیشه بر نیروی مردم چیرگی داشته باشد. من چنین آینده‌ای را برای ایران و رژیم جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی می‌کنم.

وظیفه و نقش احزاب سیاسی در معادلات آینده

باید تا آنجا که ممکن است احزاب بتوانند در یک چارچوب سیاسی، بر سر نکات مشترکی متحد شوند، از یکدیگر حمایت کنند و از مبارزه‌ای که مردم ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی به پیش می‌برند، پشتیبانی نمایند. به نظر من اگر این اتحاد علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران ایجاد گردد، رژیم بسیار ضعیف‌تر از آن است که بتواند برای مدتی طولانی‌تر این مردم را سرکوب کرده و روزگار تلخی که اکنون در آن به سر می‌برند، همچنان ادامه داشته باشد.

پیام به مناسبت سالروز سربرآوردن انقلاب ژینا

مایلم به مردم مبارز و آزادیخواه کوردستان بگویم که جنبش ژینا با

دیگر تحمل نخواهند کرد. زندگی‌ای برای مردم باقی نمانده است، آزادی و کرامت از مردم سلب شده است. طبیعی است که بدین خاطر مبارزه می‌کند که این شرایط را تغییر دهد. به همین دلیل من معتقدم که باید منتظر باشیم که بحران‌های جمهوری اسلامی در آینده افزایش بیشتری یابد و نیروی متحد مردم ایران نیز برای سرنگونی رژیم نیرومندتر و گسترده‌تر گردد. رویارویی میان دو طرف، دو طرف متضاد با یکدیگر که هیچ شانس برای سازش و مصالحه ندارد و رژیم جمهوری اسلامی ایران باید کنار برود. بدین دلیل می‌گویم که رژیم جمهوری اسلامی ایران باید کنار برود که جمهوری اسلامی به عنوان یک حکومت هیچ چیزی در دست ندارد. نه بهداشت دارد، نه آموزش و تحصیل روال عادی خود را طی می‌کند، نه اقتصاد، نه آزادی و... نه چیزی باقی نمانده است. تنها چیزی که در اختیار دارد سرکوب و اختناق است. این سرکوب و اختناق نیز نه تنها در ایران، بلکه در تاریخ مبارزات آزادی‌خواهانه‌ی خلق‌های

جنگ و صلح و پرنسپ‌های جهانشمول در فرهنگ سیاسی حزب دمکرات



علی بدآغی

در مرامنامه‌ی حزب دمکرات کوردستان اهداف، آرمانها و در عین حال پلان و برنامه‌های بنیانگذاران این

حزب به دقتی تبیین و فرموله شده‌اند. در این مرامنامه تحقق حقوق ملی کورد و حراست از این حقوق از جمله اهداف اساسی این حزب به‌شمار آمده‌اند. در این مرامنامه به روشنی آمده است که حزب هیچ خصومت و اختلافی با حکومت مرکزی ندارد و مایل است حقوق سیاسی، ملی و اجتماعی کورد در ایران، از طریق مسالمت‌آمیز حل و فصل گردیده و هم در کوردستان و هم در ایران دمکراسی استقرار یابد. حزب دمکرات کوردستان ایران در طول تاریخ خود این پرنسپ متری را با اعتقاد بر دفاع از هویت ملی در مقابل هرگونه تهدید و خطری درآمیخته است.

حزب دمکرات از همان بدو تأسیس، سیاست‌های خود را بر چند اصل جوهری پی‌ریزی کرده است، همچون تلاش و مبارزه در راه حقوق ملی، دفاع از دموکراسی، همزیستی مسالمت‌آمیز و ارجعیت مصالح کلی مردم در هر حالت و شرایطی معیار اساسی حزب دموکرات کوردستان در طول ۷۸ سال حیات خویش همواره مصالح و منافع مردم کوردستان و بویژه کوردستان ایران بوده‌است. در طول این مدت حزب دموکرات از هر فرصتی که به سود ملت کورد بوده بهره جسته و در کلیه‌ی تعاملات و مناسبات خود با نیروهای کوردستانی، ایرانی، منطقه‌ای و جهانی مسأله‌ی کورد و مصالح آن جایگاه بسیار برجسته‌ای داشته است.

اعتقاد به دیالوگ و حل مسالمت‌آمیز مسأله‌ی کورد در ایران و پرنسپ‌ها و ارزش‌های انسانی جهانی در روند مبارزه علیه دو رژیم پادشاهی و جمهوری اسلامی هزینه‌های سنگینی برای حزب داشته است. از اعدام بنیانگذارش پیشوا قاضی محمد گرفته تا ترور رهبران برجسته‌اش همچون د. قاسملو و د. شرفکنندی، قتل‌عام مردم کوردستان و شهادت هزاران پیشمرگ جنگاورش؛ اما این حزب در هیچکدام از مقاطع تاریخ خونین خود نخواست ترور را با ترور پاسخ بگوید، زندانی را تحت شکنجه قرار دهد و اسیر جنگی را اعدام نماید. حزب دموکرات، آماج حملات موشکی قرار گرفت اما، پرنسپ راحل مسالمت‌آمیز مسأله‌ی کورد در ایران را کنار نهاد و اجازه نداد رژیم این حزب را از اعتقاد به اندیشه‌های جهانشمول دور سازد.

حزب دموکرات هرگاه بر مبنای جوهری باورهایش - مصالح کلی مردم و حل مسالمت آمیز مسأله‌ی کورد - فرصت گفتگو فراهم شده، با مذاکره با حکومت مرکزی کوشیده است حقوق مردم کوردستان تأمین گشته و جنگ و تشنج و ویرانی را از مردم دور سازد. اما هرگاه حاکمیت خواسته است با

بیش از ۳۶۰ عضو این حزب در زندان‌های جمهوری اسلامی اعدام شده‌اند و بیش از ۳۲۰ کادر و پیشمرگ حزب در داخل و خارج از کشور ترور شده‌اند. طی سالهای ۱۳۹۷ و ۱۴۰۱ چندین بار هدف حملات موشکی جمهوری اسلامی قرار گرفته است، اما علیرغم این همه خسارت جانی سنگین، اعدام را با اعدام و ترور را با ترور پاسخ نداده است. برعکس در جریان دفاع ملسحانه هزاران اسیر جنگی را آزاد کرده است. این حزب با وجود آنکه قربانی اصلی تروریزم جمهوری اسلامی بوده و علیرغم آنکه دارای قدرتمندترین نیروی نظامی و پیشمرگ در کوردستان بوده، اما نه تنها به اقدام مشابه علیه رژیم دست نزده، بلکه این عملکرد را در هر فرم و شکل و در هر نقطه‌ی جهان و به هر منظوری که انجام گرفته باشد، محکوم کرده‌است. این امر نیز از مبارزه‌ی مشروع خلق کورد و زیربنای فکری غنی‌ای سرچشمه می‌گیرد که رهبران بلندپایه‌ی حزب به‌عنوان یک سامان معنوی برای جنبش کورد فراهم ساخته‌اند. چنانکه زنده‌یاد د. قاسملو در این رابطه اذعان می‌دارد که جنبش‌هایی که از طریق دموکراتیک به پیش می‌روند و هواداری و حمایت مردم را به همواره دارند، لزومی به توسل به ترور نمی‌بینند [...] تروریزم سیاست رسمی جمهوری اسلامی است، این امر نیز نشانگر آن است که این رژیم در مقابل مطالبات مشروع مردم هیچ پاسخی ندارد جز سرکوب.

همانگونه که پیشتر به‌طور اجمالی اشاره شد، حزب دموکرات کوردستان ایران هیچ فرصتی را برای حل مسالمت آمیز مسأله‌ی کورد در ایران از دست نداده است، اما این حکام رژیم بوده‌اند که هیچگاه به حسن نیت حزب دموکرات توجه نکرده‌اند. لذا موجب شد که این حزب ناچار گردد که از طریق دیگر فرم‌های مبارزه جهت تحقق حقوق ملی مردم کوردستان متوسل گردد. اما این حزب نمی‌توانست حدود هشت دهه در این میدان باقی بماند اگر حمایت همه‌ی اقشار و طبقات کوردستان را با خود همراه نداشت. مردمی که علیرغم آنکه با بیشترین فشار، خشونت و سرکوب خونین رژیم مواجه بوده‌اند، از حمایت از حزب خود دست نکشیده‌اند. علت این امر نیز به اعتقاد عمیق و اطمینان مردم نسبت به حزب دموکرات و سیاست‌های واقع‌بینانه‌ی آن بازمی‌گردد. حزبی که علیرغم آنکه همواره به حق تعیین سرنوشت اعتقاد داشته‌است، اما خردمندانه و مسئولانه شرایط مبارزه‌ی ملت خویش را مورد ارزیابی قرار داده و شعارها و سیاست‌هایش واقع‌بینانه بوده‌اند. حزبی که به کلیه‌ی اجزای جامعه بها داده و فعالیت فکری و سیاسی و اجتماعی کلیه‌ی تنوعات جامعه را به‌عنوان سرمایه‌ی ارزشمند مبارزه و فعالیت مورد توجه قرار داده است.

در کلیت خود آنچه که حزب دموکرات را به حزب محبوب توده‌های مردم تبدیل ساخته است، تنها اعتقاد این حزب به حل مسالمت‌آمیز مسأله‌ی کورد همگام با پایداری در سنگر مبارزه و مقاومت ملسحانه جهت قبول مسئولیت در قبال مسأله‌ی کورد و حمایت همه‌جانبه از مردم کوردستان نیست، بلکه به مجموعه دستاوردها و پرنسپ‌های ارزشمند دیگر این حزب بازمی‌گردد. نظیر مهمترین رویداد تاریخ مبارزه‌ی آزادیخواهانه‌ی کورد یعنی تأسیس جمهوری کوردستان توسط این حزب انجام پذیرفته و پیشوای آن در

بود تا اختلافات بدور از تشنج و جنگ و درگیری حل و فصل گردد. در شرایط حاضر نیز حزب دموکرات از طریق دیدار و اعزام هیأت مذاکره کننده، نوشتن نامه‌ی سرگشاده و مکاتبه با مقامات رژیم جدید تمام تلاشش آن بود که مانع وقوع جنگ و میلیتاریزه کردن کوردستان گردد، تا آنجا که د. عبدالرحمن قاسملو، رهبر چپ و مارکسیست حزب در پی پیام آبان ۱۳۵۸ به خمینی، رهبر مذهبی دگم رژیم "لیبیک" بگوید. یا تا آن حد در مدارا و شکیبایی جهت دورکردن جنگ از کوردستان پیش رفت که از سوی برخی از سازمان‌های سیاسی بی تجربه و خام "سازشکار" توصیف شده و شعار "مرگ بر" علیه آن سر داده شود! اما هنگامی که کوردستان درگیر جنگ شد و اثری از سازمان‌هایی که تا پیش از این حزب دموکرات را سازشکار نامیده و مردم را به قیام و جنگ علیه رژیم تشویق می‌کردند، در میدان باقی نماند، دوباره این حزب دموکرات بود که بار سنگین دفاع ملسمانه در راه حراست از موجودیت و هویت کورد در

ایران را به دوش گرفت. حتی در شرایطی که وجب به وجب کوردستان عرصه‌ی دفاع و مقاومت شجاعانه پیشمرگان حزب دموکرات بود، باز رهبری حزب پرنسپ مذاکره و حل مسالمت آمیز مشکلات میان کورد و مرکز را کنار نهاد. اسناد کنگره‌ی چهارم حزب دموکرات آیینه تمام قد کلیه‌ی واقعیاتی است که پرنسپ و ارزش‌های مبارزاتی حزب دموکرات در رابطه با حقوق ملی خلق کورد در ایران و سیاست، موضع و شیوه‌ی رفتار حزب در خصوص حاکمیت مرکزی را نشان می‌دهد. همچنانکه در دیگر اسناد حزب در کنگره‌های بعدی نیز مشاهده می‌شود، حزب دموکرات کوردستان علیرغم درک این واقعیت که کمترین حقوق خلق کورد در چارچوب این رژیم تحقق نخواهد یافت، اما بدلیل آنکه مذاکره را شیوه‌ی از مبارزه سیاسی کورد می‌داند، این حق را به خود می‌دهد که در زمان مناسب و در راستای مصالح ملی خلق کورد با دولت مرکزی به مذاکره بنشیند. سلاح به کف گرفتن و دفاع ملسحانه‌ی حزب دموکرات اگر از سویی در راستای تحقق حقوق ملی و دفاع از کرامت و هویت خلق کورد بود، در عین حال اسلحه‌ای بوده به‌منظور ناچار کردن رژیم به گفتگو و مذاکره. به‌عبارتی دیگر "جنگ" را نیز جهت تحقق "صلح" به پیش برده‌است. چنانکه د. قاسملو در گزارش کمیته مرکزی به کنگره ۵ به‌روشنی اذعان می‌دارد که جنگ نیروهای پیشمرگ، جنگی است در راه دفاع از آزادی، جنگی است در راه یک حقوق مشروع و بالاخره جنگی است برای دستیابی به یک صلح سربلندانه. این جنگ (علیه جمهوری اسلامی ایران) که تاکنون نیز در فرم و شیوه‌ی گوناگون ادامه دارد، هزینه‌ی سنگینی برای حزب دموکرات در پی داشته است. در جریان این جنگ بیش از پنج هزار پیشمرگ حزب در میدان دفاع مستقیم به شهادت رسیده‌اند. قابل توجه اینک ۴۴ تن از شهدا اعضای رهبری و ۳۶ نفر از آنها فرماندهان نیروی پیشمرگ و ۱۶۰ تن از آنان فرمانده و معاون شاخه‌ی نظامی و بیش از ۴۵۰ تن از آنها کادر سیاسی بوده‌اند. بدین معنا که هیچ حزب کوردی وجود ندارد که تا این حد رهبر و شخصیت بلندپایه‌اش را در میدان مقاومت مستقیم در مقابل رژیم از دست داشته باشد. از سوی دیگر

این راه به پای چوبه‌ی دار کشیده شد. نظیر مردمی بودن و در راه حقوق مردم فعالیت کردن در طول حیات خویش. نظیر استقلال سیاسی حزب دموکرات در اتخاذ موضع و تصمیم‌گیری در حساس‌ترین شرایط. نظیر اعتقاد به اخلاق سیاسی در سیاست‌ورزی و تصمیم‌گیری و کار عملی و تثبیت آن. نظیر حمایت عملی از جنبش آزادیخواهانه‌ی کورد در کلیه‌ی بخشهای کوردستان. نظیر اعتقاد و ایمان عمیق به دموکراسی، پلورالیزم و ارزش‌های انسانی و جهانشمول دیگر. نظیر اولویت دادن به مصالح کلی در کوردستان ایران و حتی در سطح کلیه‌ی بخش‌های کوردستان. نظیر معرفی مسأله‌ی کورد به جامعه‌ی جهانی از طریق دیپلماتیک. نظیر دفاع از تاریخ، زبان، هویت، فرهنگ و جغرافیای کوردستان در ایران و ...

در آن سو نیز جمهوری اسلامی در طول این مدت چه از طریق سرکوب و زور سرنیزه و چه بوسیله‌ی جنگ نرم و سایبری به مقابله با جنبش آزادیخواهانه‌ی کورد برخاسته و در این رویارویی از هیچ اقدام ضدبشری در مقابل کورد خودداری نورزیده است. اما از کلیه‌ی این اقدامات نصیبی نبرده است. حزب دموکرات کوردستان با اعتقادات ملی و پرنسپ‌های مدرن جهانی‌اش چنان با فکر و اندیشه و ذهن جامعه‌ی کورد عجین گشته که گسست آنان از یکدیگر امر محالی است.

حزب دموکرات رویدادها و حوادث تلخ و جانکاه بسیاری را پشت سر نهاده است. مؤسس آن، پیشوا به دار آویخته شده، د. قاسملو و د. شرفکنندی، دو تن از برجسته‌ترین دبیرکل‌های این حزب ترور شده‌اند، رهبریت آن از سرزمین خود آواره گشته و حتی در آوارگی نیز چند بار هدف حملات موشکی قرار گرفته است؛ اما علیرغم همه‌ی اینها تاکنون نیز هیچ حزب و سازمان سیاسی دیگر در هیچکدام از بخش‌های کوردستان نتوانسته است شبیه آن عمل کرده و دستاوردهایش را تکرار کند.

کوتاه سخن و به‌منظور نتیجه‌گیری از این مبحث بهترین کار توجه به چند تصمیم کنگره‌های حزب می‌باشد که تأکیدی است بر این اعتقاد که راه حل مسالمت آمیز مسأله‌ی کورد در ایران، پرنسپ همیشگی حزب دموکرات است. گرچه رفتار جمهوری اسلامی با مردم کوردستان و حزب ما و تجربه‌یمان در عرصه‌ی مذاکره به ما می‌گوید که رژیم از مذاکره جهت پیشبرد نیات پلید خود سوءاستفاده کرده‌است. یا هنگامی که از دموکراسی به‌عنوان یکی از ارزش‌های مهم نهادینه شده در حزب سخن به میان می‌آید آمده‌است که دموکراسی هم به‌عنوان یک ایده‌آل عملی حیات سیاسی و سازمانی حزب دموکرات و هم بمتابیه‌ی مناسبترین بستر برای گفتگو و حل و فصل مشکلات، در صف مقدم اهداف و ارزش‌های حزب ما قرار دارد. در همان حال اولویت مبارزه‌ی ما، مسأله‌ی ملی و کورد در کوردستان ایران است. به همین دلیل نوع تعامل ما با پروسه‌های سیاسی خارج از کوردستان و آینده‌ی ایران پیش از هرچیز بر مبنای ویژگی‌های کوردستان و مسأله‌ی کورد است. در عین حال مبارزه جهت حل مسأله‌ی کورد در ایران نباید این واقعیت را از نظر ما دور بماند که کورد یک ملت و کوردستان یک سرزمین تجزیه شده است.



بحران و دشمن خیالی



رضا دانشجو

هم نگران عدم قابلیت اجرای این ایده‌های خود نیستند چرا که آموخته‌اند وقتی راه حل‌شان به نتیجه نرسید به راحتی می‌توانند با انداختن مسئولیت این ناکامی به گردن دشمنان فرضی به اهدافشان برسند!

"شپربر" البته تحلیل‌اش را معطوف به شخصیت سیاسی خاصی نمی‌کند اما برخی مثال‌هایش را از رفتار دیکتاتورهای زمانه‌اش (استالین و هیتلر) می‌آورد.

با این حال، زیبایی این کتاب به این است که وقتی نام هیتلر و استالین را حذف می‌کنیم و نام هر دیکتاتور دیگری را می‌گذاریم می‌بینیم چقدر تحلیل تازه است، گویا اسپربر آن را همین دیروز و برای تحلیل رفتار دیکتاتورهای این زمانه نوشته است! در واقعیت نگاه عمیق و موشکافانه "مانس شپربر" این حقیقت را روشن می‌سازد که این ویژگی‌های رفتاری را می‌توان به هر دیکتاتوری در هر زمانی نسبت داد.

بحران آفرینی و دشمن تراشی یکی از مهمترین ویژگی‌های دیکتاتورهای خودکامه برای بقای تاج و تختشان بوده و هست. هیتلر که در اعتراض به نظم دیکته شده ظالمانه توسط بریتانیا و فرانسه و پی ریزی نظم نوین، اروپا و جهان را درگیر فاجعه جنگ جهانی دوم کرد به خوبی می‌دانست که وجود این دشمن فرضی چقدر برای بقای حکومت او لازم است. سال‌ها خفقان در اتحاد جماهیر شوروی در سایه ترس از نفوذ امپریالیسم به استالین اجازه می‌داد تا سرپوشی بگذارد بر ناکامی‌های سیاسی و اقتصادی کمونیست‌ها. دوران مک کارتیسم در آمریکا به بهانه نفوذ کمونیسم روایت دیگری از این ماجراست جایی که اینبار در دنیای به اصطلاح آزاد افکار مخالف سرمایه‌داری به مسلخ رفتند.

بحران آفرینی و دشمن تراشی در جمهوری اسلامی حتی به قبل از روی کار آمدن این رژیم غیربیشری برمی‌گردد. اولین بحران تراشی رژیم ولایت فقیه به حادثه دلخراش آتش زدن عمدی سینما رکس آبادان در مردادماه ۵۷ برمی‌گردد که به قصد بدنام کردن رژیم سابق توسط طرفداران خمینی انجام شد و بر اثر آن سیصد و شصت نفر زنده در آتش سوختند!

فاز دوم بحران تراشی و دشمن فرضی

حکومت‌های خودکامه و دیکتاتور صرف نظر از بعضی از تفاوت‌های جزئی دارای ویژگی‌های یکسانی هستند. رفتارشناسی

دیکتاتورها به خوبی نشان می‌دهد که به شکل حیرت انگیزی همه‌ی آنها از لحاظ روانشناسی رفتاری دارای شخصیتی کم و بیش یکسان بوده و هستند و زمان و مکان تاثیر چندانی بر این موضوع نداشته و ندارد. کتاب "نقد و تحلیل جباریت" اثر "مانس شپربر" روانشناس معروف آلمانی است که به تحلیل رفتاری دیکتاتورها می‌پردازد. او که این کتاب را قبل از اینکه هیتلر جهان را به جنگ دوم جهانی بکشاند نوشته است به طرز حیرت انگیزی پیش بینی می‌کند که در نهایت او خودکشی خواهد کرد!

محسن رنایی استاد دانشگاه در نقد این کتاب تحلیل جالبی دارد، او می‌نویسد:

"شپربر" نشان می‌دهد که چگونه شخصیت روانی یک جبار به تدریج و در طول زمان تحول می‌یابد به گونه‌ای که جبار به تدریج دچار سادیسم (دیگر آزاری) و در مراحل بعدی دچار مازوخیسم (خودآزاری) می‌شود. در واقع از نظر "شپربر" جباران بیمارانی هستند که بیماری‌شان در هیاهوی توده‌ها، برای خودشان و برای دیگران مخفی می‌ماند و به همین علت فرصت درمان نیز از آنها ستانده می‌شود!

"شپربر" معتقد است اعتیاد به دشمن تراشی و ایده "دشمن انگاری هر کس با ما نیست" از سوی جباران محصول ترس عمیقی هستند که در وجود آنها نهفته است. او از قول افلاطون می‌نویسد: "هر کس می‌تواند شایسته صفت شجاع باشد الا فرد جبار!

"شپربر" نشان می‌دهد که چگونه ترس در طول زمان به نفرت تبدیل می‌شود و آنگاه توده‌ها برای ارضای حس نفرتشان از عده‌ای، جباری را یاری می‌کنند تا آنان را نابود کند و بعد دوباره زمانی می‌رسد که توده‌ها به علت نفرت از همین جبار، او را به کمک جبار دیگری از میان برمی‌دارند!

او به زیبایی نشان می‌دهد که چگونه جباران با ساده کردن مسائل پیچیده زندگی، راه حل‌های عامه پسند می‌دهند و اصلا

است شرایط متفاوت جوامع ایران است، نسل آگاهی که دیگر به راحتی نمی‌توان حقیقت را وارونه تحویلش داد، نسل آگاهی که در انقلاب ژینا نشان داد تا چه اندازه نسبت به حقوق و وظایف خود آگاه است، اگر زمانی در این سرزمین والدینی بودند که عکس خمینی را در ماه می‌دیدند اینک پاره کردن عکس خمینی تفریح نوه‌هایشان در مدرسه است. شلیک بسوی مردم، آخرین برگ دفتر زندگی جمهوری اسلامی است، این تنها تاکتیک باقی مانده برای رژیم است، دوست و دشمن هم نمی‌شناسد، چه معترضانی که در خیابان مرگش را فریاد می‌زنند، چه کسانی که برای زیارت به یک مکان مقدس می‌روند. رژیم می‌داند این سناریو تا چه اندازه نخ نماست، اما برای کسی که در سراسیمگی سقوط در حال افتادن است هر ریشه سستی هم حکم درختی تنومند را دارد، اما رژیم نمی‌داند که زیر این پرتگاه رودخانه بزرگی در خروش است رودخانه‌ای پر از خشمی مقدس حاصل سالها ظلم و ستم. رودخانه‌ای که هر آن در حال بزرگتر شدن و بالا آمدن است، یگروز به ناگاه طغیان خواهد کرد و این جرثومه سیاهی و تباهی را فرو خواهد بلعید. جمهوری اسلامی سقوط نمی‌کند، ساقط می‌شود. سرنوشت دیکتاتور پیر مرگ عادی نیست، افتادن به دست انقلابیون و دادگاه مردم است.

در قدرت بمانند. پایان جنگ و روی کار آمدن علی خامنه‌ای پروژه بحران تراشی وارد فاز جدیدی شد، به جرات می‌توان گفت دشمن پرتکرارترین واژه‌ای است که از زمان روی کار آمدن خامنه‌ای توسط او استفاده شده است. بحران تراشی و ایجاد درگیری در کشورهای همسایه بخش دیگری از این سناریو است، کشته سازی و درگیر کردن احساسات کور ناسیونالیستی.

بمب‌گذاریهای متعدد در نقاط مختلف کشور در بزنگاه‌های تاریخی به قصد ایجاد بحران و دشمن تراشی و سرکوب مخالفان بخش دیگری از سناریو است که که بارها و بارها تکرار شده است. بمب‌گذاری در حرم رضا امام هشتم شیعیان، بمب‌گذاری در رژه نیروهای مسلح در مهاباد، بمب‌گذاری اخیر در حرم شاه چراغ در شیراز و... بمب‌گذاری‌هایی که بطور واضح همگی در بازه‌هایی زمانی رخ داده‌اند که رژیم ناتوان از کنترل شرایط جامعه و پاسخ به نارضایتی‌های مردم بوده است، در واقع ایجاد احساس همدردی با کشته شدگانی بیشتر اوقات هم غیر نظامی بوده‌اند این فرصت را به رژیم می‌دهد تا ضمن انحراف افکار عمومی از واقعیت‌های جامعه به دلیل فضای احساسی حاکم بر جامعه تا مدتی هرچند کوتاه مردم را با خود همراه ببیند. اما آنچه جمهوری اسلامی از درک آن عاجز

به تسویه حساب‌های سیاسی اوایل استقرار جمهوری اسلامی برمی‌گردد که طی یک برنامه هماهنگ و با چراغ سبز و همکاری هاشمی رفسنجانی و علی خامنه‌ای کشتار بسیاری از سران رژیم در حوادث مشابه بمب‌گذاری و ترور ظاهرا توسط سازمان مجاهدین و برخی گروه‌های کوچک کشته شدند. به طرز عجیبی تمام کسانی که مورد هدف قرار گرفتند کسانی بودند که از نزدیکان خمینی به حساب می‌آمدند و آینده سیاسی رفسنجانی و خامنه‌ای را تهدید می‌کردند، بهشتی، مطهری، رجایی و ...

فاز سوم پروژه بحران تراشی و دشمن تراشی و در واقع مهمترین اقدام رژیم که با همدستی و همراهی دیکتاتور خودکامه عراق صورت گرفت تحمیل جنگی هشت ساله به مردم ایران و عراق و در مقیاس بزرگتر خاورمیانه بود. چه خمینی دجال و چه صدام ملعون بهتر از هر کسی آگاه بودند که این جنگ جز نابودی و ضرر هیچ نفعی برای هیچ از دو کشور نخواهد داشت اما هر دو دیکتاتور در پروژه دشمن تراشی برای تحریک احساسات ملی گرایانه و ارائه تصویری وطن دوست از خود نیاز به راه اندازی جنگی بین دو گاه خیر و شر داشتند تا نقش خیر را بازی کنند. جنگی که به کشته شدن میلیون‌ها انسان بی‌گناه و نابودی بسیاری از زیر ساخت‌های دوکشور انجامید تا دو دیکتاتور خودکامه کمی بیشتر

حق یا امتیاز!

موفق بودند و در راستای منافع شخصی و گروهیشان، پشت به منافع ملی کرده‌اند. یکی از این نمونه‌ها، می‌توان به اصطلاح به اصلاح‌طلبان کورد اشاره کرد که با وجود شناختی که از جمهوری اسلامی ایران داشتند، اما صرفا به خاطر منافع شخصی و گروهی خود منافع ملت کورد را قربانی "امتیازاتی" کرده‌اند. اما این بحران همانطور که گفته شد مختص اصلاح‌طلبان کورد نمی‌شود و همچنان کس یا گروه‌های هستند که به خاطر "امتیازاتی" از سوی شخصی خاص یا گروهی خاص! اجیر شده و سعی در انحراف اذهان عمومی جامعه کوردستان و نهایتا نادیده گرفتن حقوق ملت کورد را دارند.

از خوانش خود (از انسان بودن) هیچ تعریف دیگری را برنمی‌تابد. اما چرا همچنان هستند کس یا کسانی از کوردها و البته دیگر ملل غیر فارس که معتقداند با وجود تفکر و ایده "ایرانی بودن" که غیر از فارس‌ها دیگر ملل و تنوعات را انکار و تاکنون سرکوب کرده، می‌توان به "حق" دست یافت؟ همیشه در طول تاریخ و به ویژه تاریخ ملت کورد بوده و خواهند بود کس یا کسانی که برای منافع شخصی یا گروهی خود حاضرند با سفسطه افکار عمومی را از مسیر واقعی خود که همانا تامین حقوق ملت کورد بوده، منحرف کنند تا به "امتیازی" برسند و متأسفانه تا حدودی نیز در این تلاش وقیحانه خود

مورد مسئله "حق" وجود نداشت. اندکی بعد دیگر کشورها این سند جهانشمول را تایید و مفاد آن را قبول کردند. البته بعدها مسئله "حق" تحت عنوان حقوق بشر ابعاد گسترده‌تری را به خود گرفت و به مسئله‌ای جهانی تبدیل شد که تاکنون نیز تداوم دارد و سالانه هزاران انسان در راه تامین حقوقشان قربانی می‌دهند. در این میان ملل تحت ستم و در راس آن‌ها، ملت کورد مبارزات پیگیرانه‌ای را تاکنون در همین راستا یعنی تامین حقوق ملت کورد داشته است. اما متأسفانه جز انکار و سرکوب چیزی تاکنون شامل حال کوردها و دیگران نشده است. علت عدم تامین نیز به کرات در موردش نوشتیم که نگاه تمامیت‌خواهانه‌ای است که غیر

مسئله‌ای که این روزها شاید بیش از هر زمانی دیگر مطرح است حداقل از سوی ملل تحت ستم و دیگر حق‌طلبان در ایران، مسئله "حق" است. مفهومی که محصول جهان معاصر یعنی مدتی پس از تاسیس سازمان ملل متحد است که در تاریخ ۱۹ آذر سال ۱۳۲۷ شمسی (۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی) تحت عنوان اعلامیه جهانی حقوق بشر وارد ادبیات جهان شد.

تا قبل از این تاریخ یعنی ۱۹ آذر ۱۳۲۷ شمسی، هیچ سندی که رسماً توسط انسان‌ها مورد توافق قرار گرفته باشد در



شیوا مرادیان

روزها شاید بیش از هر زمانی دیگر مطرح است حداقل از سوی ملل تحت ستم و دیگر حق‌طلبان در ایران، مسئله "حق" است.

مفهومی که محصول جهان معاصر یعنی مدتی پس از تاسیس سازمان ملل متحد است که در تاریخ ۱۹ آذر سال ۱۳۲۷ شمسی (۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی) تحت عنوان اعلامیه جهانی حقوق بشر وارد ادبیات جهان شد. تا قبل از این تاریخ یعنی ۱۹ آذر ۱۳۲۷ شمسی، هیچ سندی که رسماً توسط انسان‌ها مورد توافق قرار گرفته باشد در

چرا اسلحه؟

(به مناسبت قتل عام کوردها در روستای "قارنی و قلاتان")

رسیدند. چشمانش دید قرآنی را که نیروهایی رژیم ادعا می‌کردند که به آن باور دارند زیر چکمه‌های پاسداران له شده بود و هر صفحه و آیتی از آن به طرفی پرت کرده بودند، عمامه سفید امام جمعه که برای جلوگیری از خونریزی با پای خودش به پیشواز آنها رفته بود آغشته به خون شده بود، جنازه‌های زیادی افتاده بودند، حتی جنازه کودکانی که هنوز نمی‌فهمیدند که تجزیه‌طلبی یعنی چه، زنده‌ها هم فرقی با شهید شدگان نداشتند، چون بغض و عصبانیت شدیدی آنها را ساکت کرده بود، فریاد زنان و مادران صدا نداشت، چون اگر صدا داشت چرا به گوش پاسداران نرسید که همه بیگناه بودند حتی اگر مردها و زنان گناه داشتند، کودکان چه گناهی کرده بودند؟ از همه دردناکتر صلح خواهی سبز کوردها بار دیگری چنان غرق خون شد بود که دیده نمی‌شد.

و این تنها یکی از هزاران جنایاتی بود که توسط رژیم جمهوری اسلامی و در یک روستا در روز ۱۱ شهریور بر علیه کوردها انجام شد، در همه‌ی این روزهای که بر کوردها گذشته تا به اکنون روزی نبوده که ما این تابلوی قتل عام کوردها را به اشکال مختلف ببینیم، جالب اینجاست که مدام می‌گویند چرا احزاب کوردی و کوردها مصلح هستند؟

ما از خاکی برآمده‌ایم که این چنین با خون صلح‌خواهی‌مان سیراب شده چگونه می‌توانیم بدون این اصلحه که برای دفاع از خود برداشته‌ایم به عنوان کورد زنده بمانیم. وقت آن رسیده هر کسی که از اصلحه کوردها گله‌ای دارد یک بار از خودش بپرسد ملتی که مدام ژنوساید می‌شود راه حلی دیگری هم جز برداشتن اصلحه داشته یا دارد؟



البرز روئین‌تن

عصبانیت دکتر قاسملو بعد از برگشتن از نوفل لوشاتو و دیدار با خمینی آوردند که خمینی رهبری دینی است که خیلی از آرمانهای دموکراتیک دور است. این دیدار تقریباً چهره‌ی واقعی خمینی و افکارش را برای رهبر ملت کورد روشن ساخت. ادامه دادن مذاکرات برای جلوگیری از خونریزی با وجود شناختن خمینی و ایدئولوژی‌اش گران برای کوردها تمام شد.

ولی حداقل این واقعیت که کوردها جنگ طلب نیستند برای بار چندم اثبات شد.

خیلی از حکم فتوا خمینی برای قتل عام ملت کورد و جنبش حق‌طلبش در ۲۸ مرداد سال ۱۳۵۷ نگذشته بود که پاسداران جمهوری اسلامی کوردستان را غرق خون کردند، ۱۱ شهریور بود که آنها اثبات کردند هدفشان فقط جنگ با احزاب یا افراد مصلح نیست بلکه نیتشان ژنوساید ملت کورد است و لاغیر.

در ۱۱ شهریور یعنی تابستان سال ۱۳۵۸ با بهانه‌های ساختگی و برای نشان دادن اراده اشغالگری خود، قتل عام کوردها آغاز و از طرف جمهوری اسلامی نیروی زیادی و با فرمان یار همیشگی و نزدیک خمینی یعنی "حسنی" امام جمعه ارومیه به نزدیک روستای قارنی و قلاتان در نزدیکی نقده

کوردها همانند ملت‌های دیگر در ایران در سرنگونی دیکتاتوری شاهنشاهی شرکت داشتند و حتی برای پیروزی این انقلاب قربانی بیشتری هم دادند.

امید داشتن به اینکه با رفتن شاه نظام دموکراتیک جایش را بگیرد و آزادانه نفسی بکشند.

به همین علت کوردها از همان روز اول به دنبال مذاکره برای حل مسائل خود با تهران به عنوان یک شیوه پیشرفته و انسانی بودند، هیئت نمایندگی تشکیل دادند و هر کاری کردند، تا حداقل خواسته‌هایشان هم که شده از طریق مذاکره و راه حل‌های صلح آمیز تحقق بیابد.

با وجود اینکه ما کوردها خمینی را زودتر از همه شناخته بودیم و تا جای که امکان داشت برای اینکه جنگی را تحمیل نکند تلاش کردیم. یکی از نمونه‌های بارز تلاش‌های ملت کورد برای حل مسالمت آمیز مسئله کورد دیدار دکتر قاسملو با خمینی بود.

نسرین قاسملوو در کتاب خاطراتشان از

نگاهی اجمالی بر وزارت فرهنگ ایران



... قسمتهایی از کار و فعالیت‌های این وزارت از دوران مشروطه تا به حال بوده است کتاب حافظ را پنج بار در سال بازنشر می‌کنند، خیام را با انواع خط و ترجمه چاپ می‌کنند کتاب‌های تاریخی دست نوشته را دو بار در سال در طول درس خواندن چاپ می‌کنند اما برای چاپ یک جل کتاب ۲۰۰ صفحه‌ای برای نقد دین بودجه نیست و نویسنده آن در گوشه زندان جای می‌گیرد.

برای مثال، در کتاب‌های ادبیات گفته شده وقتی پیامبر اسلام به دنیا آمده ماه شق‌القمر شده و طاق کسری شکاف برداشته چرا کسی پرسش نمی‌کند چگونه و چرا؟ و جالب آنکه ما با تمام جرات

حافظ شی‌سازی برای فال نیک زندگی و... خود را به دست تقدیر سپردن قسمتی بسیار کوچک است که نسل نو اندیش و محصلین امروز در مدارس و دانشگاهها با آن دست و پنجه نرم می‌کنند و بی آنکه پرسش کنند که من از چه چیز تبعیت می‌کنم و برای چیست؟ تا نفس در سینه از آن دفای می‌کند!؟ سخن در اینجاست آن دسته از سران و مسئولان این رژیم که با بدنهادی دست در دست هم نهاده و روز به روز بر پیکره اصلی دانش و علم این کشور تیشه می‌زنند کسی جوابگو نیست و از آن دفاع می‌کنند، ریسه این سیاه روزیهای فکری و علمی که در نهادهای بالای آموزش عالی چیره شده است در پشت پرده "وزارت فرهنگ" کشور است.

کار این دستگاه با آن دراز و پهنای خود برای آنست که ترویج آموزه‌های گمراه کننده از زمانهای دور و خرافات را در کتابهای درسی در همه مقاطع ترویج دهد، کار وزارت فرهنگ این است و در انجام این کار تا بی نهایت رهاست و دبیرستان و دانشکده‌ها منتهی نمی‌شود بلکه از شخصیت‌هایی مانند مطهری‌ها، محمد علی فروغی‌ها، چمران و آوینی‌ها تغذیه می‌کند و ایده آنان را به مانند سرچشمه راستیها و هدایت ترویج و آموزش می‌دهد.

ترویج صوفیگری، خراباتی، تاریخ جعلی، فال گیری، خرافه پرستی، تنفرگرایی و

مهد آن تفکر بیش‌تر افراط کرده و تا آخرین نقطه ادامه داده به گونه‌ای که از پیشرفته‌های مدرن امروزی غفلت کرده و صحبت از اینکه باید در این طرز تفکر یا فلان برنامه فکری تجدید نظر شود چه بسا گوینده را به کدام سزاها سزاوار دانسته‌اند.

اسلام را از خود عربها بیشتر و بهتر گرفتیم و حفاظت کردیم، فلسفه یونان را به اوج رسانیدیم، موسیقی غرب به اعتلا رسانیدیم، ادبیات هر کشوری را رونق دادیم، افسانه‌های دینی را سرلوحه زندگی خود و نسل آینده قرار داده و با جان و ناموس از آن دفاع کردیم و صدها مثال دیگر در این زمینه داریم که نشانگر اینست به دنبال علت نگشته و همیشه غرق در معلولها بوده‌ایم و گاهی پرسش نکرده‌ایم چنین افسانه‌های آب و تاب داری از کجا در آمده و در دروسهای روزانه ما از دوران ابتدایی، دبیرستانی سرچشمه گرفته و در دانشگاه به اوج خود رسیده است امروز به شیوه‌ای منفی گریبانگیر قشر دانشجویی دانشگاهها شده است و کسی در این میان پرسشگر نیست که واقعا چرا نسل دانشگاهی در ایران تا به امروز نتوانسته خود را از دنیای فرهنگ و ادبیات به دور کند و با دنیای امروز پا در میان باشد.

آلودگیهای مغزی به داستان سرایی دینی و مذهبی، ناسیونالیسم بی هویت ایرانی در قالب آریایی به رهبری کوروش پادشاه هخامنشی، رونق شعرهای

همه‌ی ما بی شک حتی اگر سواد آکادمیک و یا بطور تخصصی در مورد واژه فرهنگ پژوهش نکرده باشیم اما از همان اوان مدرسه با بکارگیری این لغت در انواع بعدها شنیده و گفته‌ایم؛ اما آنچه می‌خواهیم در این مطلب بیان کنم نگاهی بر وزارت فرهنگ کشور ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی ایران است.

نیازی نمی‌بینم تعریفی از فرهنگ ارائه دهم چون در لحظه خطوط این واژه به ذهن آدمی بسیاری از معنا را از بزرگترین آثار و هویت ملی تا کوچکترین آموزه‌های زندگی گذشته‌گان دربر می‌گیرد پس در همان زمان که تعریفش سهل است اما پیچیدگی‌های بسیاری دارد.

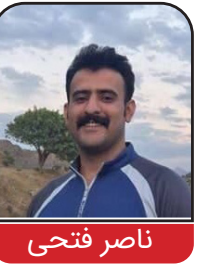
قبل از هر چیز باید قبول کنیم که در کشور ایران در پی سالهای متممادی سیاستی بدخواهانه وجود دارد و در کشور تاثیرگذار بوده است، سران و رهبران این کشور همیشه یک هدف داشته و آن این است مردم و نسل نوظهور کرده را از پیشرفت بازدارند که بخوبی توانسته‌اند موفق شوند اما زینهای این سیاست همیشه گریبانگیر خود این نظام دیکتاتوری بوده است.

در هر کجای این جهان فکری برخوردار یا وجود داشته مردمان ایران از



جمال رسول دنخه

ورشکستگی سیاست خارجی و قدرت پوشالی ایران



ناصر فتحی

جاه‌طلبی رژیم در این است که می‌خواهد کشوری مسلط بر منطقه خلیج و قدرت هژمون خاورمیانه باشد. در حالی که سرمایه‌های بالقوه در دست رژیم شامل جمعیت زیاد، موقعیت جغرافیایی مرکزی و منابع غنی هیدروکربنی است. با این وجود رژیم بعد از دو جنگ آمریکا در افغانستان و عراق با شرایط مساعد منطقه‌ای مواجه شد، اما نتوانست این آرزو را محقق کند. دلیل این امر در وهله نخست به ماهیت خود رژیم در بازتولید وضع موجود برمی‌گردد. ناتوانی و عدم امر سیاست ورزی که به بازتولید همان بنیادهای شکل گیری خود مسئله برمی‌گردد، موضوعی که جناح‌های درون حکومتی همدیگر را به عدم اجرا درست این بنیادها متهم می‌کنند به دیگر سخن، حکومت گروگان شعارهای خود در اداره امور سیاست است.

رژیم ایران از سال ۲۰۰۱ و جنگ ایالات متحده در افغانستان و عراق با شرایط منطقه‌ای مساعدی مواجه شد. این فرصت با همگرایی بسیاری از عوامل سودمند همراه بود، یعنی فروپاشی دو همسایه که نقش کنترلی قدرت ایران را داشتند، یعنی افغانستان و حکومت صدام در سال ۲۰۰۳، همچنین ظهور گروه‌های نیابتی همانند حزب الله لبنان، حماس و گروه‌های وابسته‌اش در عراق پس‌اصدام، از جمله مخالفت با حضور منطقه‌ای ایالات متحده و افزایش جذابیت سیاست‌های ضد آمریکایی؛ افزایش قیمت نفت با همه‌ی این عوامل ایران نتوانست دستاوردهای راهبردی را تثبیت کند. رشد قدرت ایران بیشتر از عناصر غیرمعارف ناشی می‌شود، در حالی از جنبه‌های سخت قدرت ایران (ثروت و توانایی‌های نظامی متعارف) کاسته شده است. در نتیجه، تهران با سیاست‌های متخاصمانه و محدود کننده، خود را به گوشه‌ای کشانده است.

در این نوشته سعی دارم به مسئله ورشکستگی رژیم در سیاست خارجی بپردازم؛ چرا رژیم در سیاست منطقه‌ای نا امیدتر و شکننده‌تر شده است؟ دلیل ورشکستگی و شکست سیاست خارجی رژیم ادامه شکست در حوزه داخلی، فروپاشی نظام ارزشی رژیم است. برای درک بهتر و واضح‌تر از سیاست‌های منطقه‌ای رژیم نیاز به بررسی موشکافانه رهیافتهای منطقه‌ای چند سال اخیر را داریم.

بررسی کلیت ورشکستگی قدرت رژیم با نگاهی سریع و کلی به چالش فاکتورها و عاملیت‌های شکل‌گیری قدرت در سیاست

خارجی ایران واضح است، ارتش نیروی منزوی شده‌ای می‌باشد که به طور فزاینده‌ای به نفع سپاه پاسدارن تضعیف می‌شود، اقتصاد رژیم توسط تحریم‌ها و سوءمدیریت نحیف و ناتوان گشته است، و کشور از نظر دیپلماتیک بیش از چندین دهه منزوی است. رژیم عمدتاً قدرت محدودی دارد که به آن امکان می‌دهد در تاکتیک‌های تروریستی و خرابکارانه شرکت کند و عمل خنثی‌سازی در مقابل سیاست دولت‌ها را در پیش بگیرد در نتیجه، نفوذ ایران - توانایی این کشور برای شکل دادن به منطقه در جهتی که به نفعش است - به شدت محدود می‌کند.

بحران در سیاست‌های خارجی و بخصوص منطقه‌ای جمهوری اسلامی بی‌سابقه نیست، به نظر می‌رسد شرایط کنونی ژئوپلیتیک منطقه و ماهیت متفاوت بحران‌ها، دستگاه دیپلماسی ایران را ناتوان در اتخاذ یک سیاست فعال و راهبردی در منطقه غرب آسیا کرده است. تضاد و سراسیمگی رفتار تهران به اتفاقات و معادلات منطقه‌ای نشان از فقدان سیاستی کارآمد، انسجام راهبردی و شکست طرح‌های منطقه‌ای می‌باشد.

وضع موجود برای جمهوری اسلامی بیش از حد و به طور فزاینده‌ای پرهزینه و پر مخاطره است. بنابراین، نتیجه مذاکرات تهران با آمریکا، تحکیم برتری منطقه‌ای خود نبوده، بلکه کاهش خسارات رژیم پس از سال‌ها افزایش تحریم‌ها و انزوا بوده. ایالات متحده در موضع قدرت با اعمال فشارهای حداکثری نتیجه مطلوبی به دست آورده است؛ کشور ایران از نظر نظامی ضعیف، از نظر اقتصادی ناتوان و از نظر دیپلماتیک منزوی گشته.

چشم‌انداز تاریک اقتصاد ایران

اقتصاد ایران راکد، وابسته به نفت، گرفتار فساد، سوءمدیریت و تحریم است. بحران اقتصادی چنان ابعاد وسیعی به خود گرفته که رهبر رژیم، سال ۱۴۰۲ را سال "مهار تورم" نامگذاری کرد؛ بانک مرکزی اعلام کرد تورم ۱۲ ماه منتهی به اسفند ۶۶.۵ درصد بوده و تورم نقطه به نقطه نیز ۶۳.۹ درصد است. بدین ترتیب بر اساس آمار رسمی، ایران برای چهارمین سال متوالی تورم بالای ۴۰ درصد را تجربه کرده‌است. ضمن اینکه تورم بخش‌هایی مانند مواد غذایی از مرز ۹۰ درصد هم عبور کرده است. این ارقام، گویاترین تصویر از وضعیت اقتصادی سال‌های پیش رو است. تحریم‌های ایالات متحده، به‌ویژه، دسترسی شرکت‌های ایرانی به سیستم‌های مالی و بانکی بین‌المللی را پرهزینه‌تر کرده است. از سال ۲۰۱۱، اتحادیه اروپا نیز تحریم‌هایی را اتخاذ نموده که به طور فزاینده سیستم مالی این رژیم را مختل کرده‌اند. برای مثال در سال ۲۰۱۲ بروکسل شرکت‌های اروپایی را از

واردات نفت ایران منع کرد. اتحادیه اروپا نیز مانند ایالات متحده محدودیت‌هایی را برای ممنوعیت فروش بیمه برای حمل و نقل نفت ایران به تصویب رساند. در نتیجه، تولید نفت ایران در سال‌های اخیر پایین‌ترین سطح از سال ۱۳۶۹ و کمتر از نصف سطح قبل از انقلاب ۱۳۵۷ بوده است. کاهش ارزش ریال در مقابل دلار، این در حالی است اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۲ قیمت دلار را که با تبلیغات سیاسی و تزریق ارز به بازار حدود ۶۰ هزار تومان به ۴۳ هزار تومان رسانده بود، بار دیگر ظرف چند روز به بالای ۵۰ هزار تومان رسید. درصد بیکاری و بحران اشتغال در حال حاضر بالاست که باعث نارضایتی فزاینده شده است. رشد منفی اقتصادی، کاهش صادرات و نبود امنیت سرمایه‌گذاری و به طور کلی اقتصادی رانده شده از بازار جهانی چشم‌انداز تاریک اقتصادی ایران را بیشتر آشکار می‌سازد. اقتصاد ایران نقطه ضربه‌پذیر قدرت رژیم است بدین معنی که ظرفیت حکومت در هزینه کردن برای ماجراجویی‌های منطقه‌ای را محدود می‌کند به نظر کارشناسان اقتصادی خود این ماجراجویی‌ها منبع برای بحران زایی اقتصادی در داخل کشور است. در طرفی دیگر بحران‌های اقتصادی به کاهش ظرفیت رقابت در بیرون از مرزها دامن زده است و محدودیت منابع مالی بر قدرت گروه‌های نیابتی ایران تاثیر مستقیم دارند.

قدرت نظامی ایران

به طور کلی سیستم‌های تسلیحات اصلی نیروهای مسلح رژیم به‌طور فزاینده‌ای منسوخ شده‌اند و از نرخ خدمات، قابلیت اطمینان پایین و کمبود قطعات یدکی حیاتی رنج می‌برند. در عوض، نقاط قوت نظامی ایران در قابلیت‌های غیرمعارف، به ویژه توانایی آن در حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی تروریستی در سراسر منطقه، زرادخانه موشکی و پهپادی و توانایی‌اش در وارد کردن آسیب به ناوگان نظامی و تجاری در خلیج فارس نهفته است. این دارایی‌ها به ایران اجازه می‌دهد تا سیاست‌های بازدارندگی، انکار، منع و تخریب را اتخاذ کند، رهیافت جمهوری اسلامی در سیاست خاورمیانه‌ای نفوذ از طریق مدلسازی سپاه و بسیج در کشورهای هدف، با ایجاد بحران‌های امنیتی است. اما مسئله اصلی چالش‌های پیش روی نیروهای مسلح در ایران است که در برخورد با یک جنگ تمام عیار از لحاظ تکنولوژی نظامی، اقتصادی نحیف، میزان وفاداری نیروهای مسلح و همچنین همراهی مردم می‌باشد. بعید است که این ضعف‌های عمده در آینده قابل پیش‌بینی برطرف شوند، عمدتاً به دلیل تحریم‌ها، محدودیت‌های منابع و اثر تجمعی دهه‌ها عدم سرمایه‌گذاری و سیاست‌های

نامطلوب داخلی است.

راهبردهای نظامی- امنیتی ایران عامل ایجاد شکاف منطقه‌ای و در نتیجه منجر به منزوی شدن هر چه بیشتر ایران شده است. نگرانی دولت‌های منطقه از رفتار خصمانه، مداخله‌گرایی و چالش‌های نظامی ایران، آمریکا را به متحد استراتژیک این کشورهای منطقه تبدیل کرده است. استراتژی رهیافتی جمهوری اسلامی نگرش و فهم کلی دولت‌های منطقه را به نقش مخرب و تهدید کننده ایران در ایجاد بحران و منازعه یکدست کرده است. در نتیجه اتحاد و همگرایی کشورهای منطقه برای جلوگیری از بنیادگرایی ایرانی ضرورت راهبردی به خود گرفته است.

برنامه هسته‌ای: خیالی گران و شکست خورده

ایران با تبلیغ و ترسیم سیاست تناقض‌آمیز آمریکا در مورد نیروگاه‌های هسته‌ای اسرائیل می‌خواهد نظر کشورهای منطقه را با خود همراه و جلب نماید اما عملکرد ایران در دستیابی به نفوذ منطقه‌ای از طریق برنامه هسته‌ای‌اش ضعیف است. توانایی تعیین شرایط نفوذ منطقه‌ای ایران موفقیت محدودی داشته است. برای تهران، استانداردهای دوگانه‌ای که به موجب آن به دیگر کشورها - مثلاً اسرائیل - اختیار داده می‌شود، نشان دهنده آپارتاید هسته‌ای است، همچنین استدلال تولید و استفاده از انرژی اتمی صلح‌آمیز برای "مقاصد انسان‌گرایانه" از سیاست‌های تبلیغاتی رژیم جهت حمایت از موضع ایران است. اما این امر هیچ تأثیر قابل توجهی بر مناقشه هسته‌ای در منطقه نداشته و ایران یک برد لفظی تاکتیکی به دست آورد اما نتوانست به یک پیروزی ملموس دست پیدا کند. هر چه ایران پیشرفت بیشتری کسب بکند، مخالفت منطقه‌ای با جاه‌طلبی‌هایش بیشتر می‌شود.

در واقع، پیگیری توانمندی‌های هسته‌ای ایران یکی از عوامل اصلی ورشکستگی این کشور بوده است. بیشتر کشورهای عربی، به ویژه در خلیج فارس، نگرانی خاصی داشته‌اند. نگرانی اصلی آنها این است که توانایی هسته‌ای، تهران را به رفتار خصمانه‌تر سوق دهد. به طور مثال، آنها نگرانند که حماس و حزب الله و گروه‌های نیابتی توسط برنامه هسته‌ای ایران جسورتر شوند، مواضع تندروانه‌تری اتخاذ نمایند. در نتیجه، برنامه هسته‌ای ایران باعث شده است که اکثر کشورهای منطقه به طور فزاینده‌ای در برابر آن مخالفت کنند.

به ویژه، کشورهای عربی منطقه به طور گسترده روی قابلیت‌های دفاعی پیشرفته سرمایه‌گذاری کرده و همکار و اتحاد استراتژیک با ایالات متحده را افزایش داده‌اند. بر خلاف اهداف اصلی جمهوری

اسلامی که جلوگیری از نفوذ منطقه‌ای ایالات متحده است، اما جاه‌طلبی‌های هسته‌ای آن تضمین‌کننده حضور بلندمدت ایالات متحده در خلیج فارس است.

کلام آخر

ایران پس از رسیدن به اوج نفوذ خود در عراق در سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۷، توانایی شکل دادن به رویدادها را پس از آن به طور پیوسته از دست داده. ظهور اعتراضات و نارضایتی مردم عراق بخصوص سنی‌ها در کنار بقایای رژیم صدام و گروه‌هایی که از سیاست‌های شیعه‌محور بغداد خشمگین هستند، موجب عقب‌نشینی و تضعیف قدرت ایران شده است. ایران می‌خواهد یک بازیگر تاثیرگذار در خاورمیانه باشد. اما امکانات و سرمایه آن را ندارد در سال‌های اخیر همه‌ی سرمایه‌گذارانی رژیم در منطقه تبدیل به عاملیت منزوی شدن و ورشکستگی آن شده. این نتیجه‌ی معکوس بر خلاف تلاش‌های رژیم برای قدرت برتر منطقه‌ای شدن داشته‌است.

بعید است که وضعیت در سال‌های آینده به طور قابل توجهی برای ایران بهبود یابد. این فاکتورها به وخامت خود ادامه خواهند داد. علاوه بر این، بعید است که ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای مسلط در آینده قابل پیش‌بینی ظاهر شود. حتی اگر شرایط تغییر کند یا یک توافق جامع، درمان همه چیز برای ایران نخواهد بود، زیرا بسیاری از تحریم‌ها همچنان پابرجا خواهند ماند و برخی دیگر تنها به تدریج در طی سالیان طولانی برداشته خواهند شد. در نتیجه، اقتصاد ایران همچنان به دلیل فساد، فضای سرمایه‌گذاری غیرقابل پیش‌بینی و گاه خصمانه و وابستگی به نفت و سوءمدیریت ضعیف خواهد ماند علاوه بر این، ظهور نهایه یک عراق قوی‌تر به عنوان یک کنترل قوی بر نفوذ ایران عمل خواهد کرد. همچنین یکی از تنها موفقیت‌های واقعی جمهوری اسلامی در سیاست خارجی را از بین خواهد برد، زیرا عراق قوی‌تر متحد یا دولت نیابتی قدرتمند جمهوری اسلامی نیست، بلکه رقیب آن خواهد بود.

اساساً، هر حرکتی در داخل از طرف مردم باید به عنوان تهدیدی برای تهران تلقی شود، ایران انتخاب‌های بسیار پرهزینه‌ای انجام داده است که آسیب بزرگی به اقتصاد، جایگاه دیپلماتیک و قدرت نظامی آن وارد کرده است.

جمهوری اسلامی تنها با از بین رفتنش می‌تواند به شروع تازه در محیط منطقه کمک کند. در همین راستا چشم اندازی برای فرصت دوباره به رژیم قابل تصور نیست. هر آن چه که هست ورشکستگی رژیم می‌باشد.

ما امروز را در کوران انقلاب "ژن، ژیان، ژازادی" یادآور شدیم

هنک‌روز چپایی

هم‌وطن! آن زمان که اوج انقلاب "ژن، ژیان، ژازادی" بود و جوانان کورد هر روز در جوانرود و بوکان و سنه (سنندج) و مهاباد و دیواندره و سقز و پیرانشهر و کرمانشاه و اشنوویه ایستاده جانشان را قربانی انقلاب می‌کردند به نام جامعه مدنی کوردستان از شما خواستیم چون انقلاب ۵۷ ما کوردها را تنها نگذارد. چرا که خواسته‌ی آن روز ما خواسته امروز شماست و آن چیزی نبود جز "دمکراسی برای ایران".

در کوران انقلاب شکوهمند و همگرایانه‌ی "ژن، ژیان، ژازادی" فریاد

برآوردیم، اگر امروز همراهی نکنید و فریاد آزادی‌خواهانه‌ی خود را با ملت کورد در نیابوزید، فردای چوبه‌های دار و زندان و شکنجه و دل‌سوختگی مادران و پدران ایران زمین در پیش است آنچه به تاراج می‌رود "کیان" ایران خواهد بود!

دردآور است اما بگذارید بگوییم نیامدید و چون ۵۷ همراه نشدید و ما تنها ماندیم و چوبه‌های دار برافراشته و دادگاه‌های بیداد شروع به صدور احکام قرون وسطایی کردند. کوردها با ده‌ها پیکر گلگون کفن پاکترین و شجاعترین زنان و مردان و بلوچ‌ها با صدها پیکر از نسل رادمردان ایران تنها اما استوار بر عهد خویش با شهیدان ایستاده‌اند.

در ۵۷ سایه‌ی استیلای خرافه و جهالت و در لوای فرمان "جهاد با کفر" جوانانمان را به جنگ فریاد "دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کوردستان" فرستادید تا دجالان جماران آسوده بساط غارت ایران را بگسترانند و گسترانیدند و در طول ۴۴ سال گذشته همراه با اربابانشان در پکن و مسکو جنگل، دشت، کوه و دریا‌های ایران را به غارت بردند.

دردآور است اما چوبه‌های دار برافراشته با قامت رعنا‌ی جوانان ایران بر آنها، گواهی است بر حقانیت فریادهای ما چه در ۵۷ و چه در انقلاب "ژن، ژیان، ژازادی". در سالهای نخستین روی کارآمدن این رژیم و تحمیل جنگ بر کوردستان ما را به واسطه‌ی

فریب دجالان حکومتی تنها گذاشید و ۱۴۰۱ به واسطه ترس ساختگی ناشی از مصیبت‌های "تجزیه ایران" روح‌الله‌ها و پس‌مانده‌ی تاجدار ظل‌الله و عافیت‌نشینان و اجیرکرده‌های شناسنامه‌دار جمهوری اسلامی در غرب ما را تنها گذاشتید!

و اینک در فردای آن انقلاب که مملو از اعدام و زندان و شکنجه جوانان وطن است و در آستانه سالیاد شهادت دردناک "ژینا" به دست دژخیمان جمهوری اسلامی به نام هموطنان کورد شما، یادآور می‌شویم تنها گذاشتن چند باره ما کوردها، بلوچ‌ها و دیگر آزادی‌خواهان دیار گلگون رنگ ایران، جز افزایش طول عمر ننگین حکومت جمهوری اسلامی برای اعدام، زندان و شکنجه جوانان

این وطن و غارت سرمایه‌های مادی و معنوی آن، محاصل دیگری ندارد.

در حالی که با تهدید "در خطر بودن تمامیت ارضی" مانع از همدلی ما مردم ایران می‌شوند خود از خلیج تا ارس را به اربابانشان در پکن و مسکو ارزان فروش و هبه کرده‌اند. اگر امروز نوک نیزه سرکوب سینه جوانان کورد و بلوچ را هدف گرفته در فردای سرکوب کوردستان و بلوچستان نوبت به دریدن سینه جوانان ایران در سراسر این سرزمین اشغال شده می‌رسد، پس بیایید این بار فریب وامصیبت‌های فرزندان روح‌الله و ظل‌الله تاجدار را نخوریم و تا برآمدن آفتاب آزادی از بلندای شاهو و دماوند از پای ننشینیم.

بیانیه شکل‌های صنفی و مردمی شهرستان سقز به

مناسبت اولین سالگرد شهادت ژینا امینی

مصائب و مشکلاتی است که همگان در راه رسیدن به آزادی و پایان بخشی به ظلم، متحمل شده‌اند و چراغی بر فراز راه است تا ما را به صبحدم نجات و رستگاری از دست ظالمان، رهنمون باشد.

همچنین در این بیانیه آمده است: « بر آنیم تا در ۲۵ شهریورماه امسال با تجمع بر مزار ژینا امینی، بار دیگر و بیش از پیش، فریاد آزادی‌خواهی خود را علیه ظلم این ظالمان برآریم و مشعل راه شهیدان را پرفروغ‌تر از پیش سازیم».

آنان در بیانیه خود از مردم شهرستان سقز، همه مردم ایران و به ویژه هنرمندان، بازیگران، ورزشکاران و شخصیت‌های سرشناس درخواست کرده‌اند که در این مراسم حضور بهم رسانده و یاد آن نماد آزادی را زنده نگه دارند.

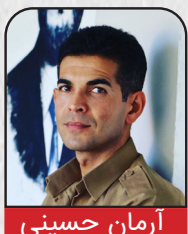


گذشته، صدای آزادی خود را در برابر ظلم و ستم این ظالمان بلند کنیم. در بخشی از بیانیه اصناف و تشکل‌های مردمی شهرستان سقز آمده است که احترام و بزرگداشت خون به ناحق ریخته شهدای راه آزادی، یکی از راه‌های یادآوری

به مناسبت اولین سالگرد شهادت «ژینا امینی» دختر کورد اهل شهرستان سقز، تشکل‌های صنفی و مردمی شهرستان سقز با صدور بیانیه‌ای اعلام کردند که قصد داریم در ۲۵ شهریور بر سر مزار ژینا امینی گردهم آییم و بار دیگر و مانند

قبل از خدا حافظی

جنگ اراده



آرمان حسینی

روز دوشنبه ۶ شهریور ۱۴۰۲، «ناصر کنعانی» سخنگوی وزارت خارجه رژیم ایران با تایید بر اجرای توافق امنیتی با دولت عراق مبنی بر خلع سلاح احزاب کورد اپوزیسیون رژیم در خاک اقلیم کوردستان عراق، گفت «مهلت روز ۲۸ شهریور برای اجرای این توافق آخرین ضرب‌الاجل تهران است و به هیچ وجه تمدید نخواهد شد».

پیشتر و در روز سه‌شنبه ۲۰ تیرماه نیز رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران احزاب کورد مخالف تهران را که در اقلیم کوردستان عراق حضور دارند را به انجام حملات شدیدتر تهدید کرده بود.

در مقابل مرکز اجرایی حزب دموکرات کوردستان ایران طی پیامی که به مناسبت ۷۸مین سالروز تاسیس حزب منتشر کرد، تاکید کرده بود «حزب دموکرات کوردستان ایران که در هشت دهه‌ی گذشته مبارزه‌ی مداومی را در تمامی شیوه‌های آن در راه دفاع از حقوق و آزادیهای مردم کوردستان و تحقق آنها به پیش برده است و در این ده‌ها سال، ده‌ها رهبر و هزاران پیشمرگش در این راه جان باخته‌اند، یکبار دیگر بر این امر تأکید می‌ورزد که مسئله کورد در ایران راه حل نظامی ندارند و مسئله کورد در ایران، مسئله‌ی بیش از ده میلیون انسان است که با حقوق انسانی خویش آشنا است، خواهان آن است و در مبارزه جهت تحقق آنها پیگیر و مصمم است؛ همچنین نه سرکوب و کشتار و نه ترور و حملات موشکی نتوانسته آنرا به زانو درآورد و نمی‌تواند آنرا از حرکت بازدارد».

از پیام مرکز اجرایی حزب دموکرات کوردستان ایران پیداست که این حزب با تکیه بر پشتیبانی و حمایت همه‌جانبه‌ی مردم کورد در ایران، با «اراده» ای راسخ عزم خود را برای تداوم مبارزه‌اش علیه رژیم ایران و هر ذهنیتی که منکر حقوق ملی - دموکراتیک کورد باشد، جزم کرده و تهدیدات مکرر مقامات رژیم نه تنها «اراده» انقلابیشان را تحت سلطه در نخواهد آورد، بلکه با امکانات کم اما «اراده‌ای» پولادی در مقابل تهدیدات و حملات موشکی، پهبادی و ترورهای جمهوری اسلامی ایران مقاومت خواهد کرد.

۴۴ سال است که حزب دموکرات و در کل ملت کورد در جنگی نابرابر با جمهوری اسلامی ایران هستند. طی این مدت جمهوری اسلامی علیرغم در اختیار داشتن و بسیج تمامی منابع انسانی، مالی و تکنولوژی و، با وجود حملات مکرر، ترور و فشارهای دیپلماتیک نتوانسته است بر «اراده‌ی» انقلابی مبارزان حزب دموکرات فایق آید. اما برعکس هر روز بیش از پیش افکار و اندیشه و سیاست‌های مترقی‌خواهانه حزب دموکرات کوردستان ایران فراگیرتر شده و می‌رود تا تقریباً به گفتمان اکثر احزاب ملی و آزادی‌خواه ایران مبدل گردد.

تا روز ۲۸ شهریور و ضرب‌الاجل تعیین شده‌ی رژیم چند روزی مانده و مقامات رژیم ایران نیز تاکید کرده‌اند که دوباره حملات همه‌جانبه خود علیه احزاب کورد اپوزیسیون خود به ویژه حزب دموکرات کوردستان ایران را از سر خواهند گرفت. از سوی دیگر حزب دموکرات رسماً اعلام کرده با وجود این که به قوانین اقلیم و عراق احترام گذاشته اما هرگز حاضر به تسلیم در برابر «اراده» تهران مبنی بر خلع سلاح شدن، نخواهد شد و به مبارزه‌ی خود علیه رژیم ایران ادامه خواهند داد.

این موضع اخیر حزب دموکرات، یادآور این واقعیت می‌باشد که هر زمان حالا چه یک شخص یا سازمان و یا ملتی که هدفی را برای دستیابی در ذهن خود ترسیم کرده باشد نه تنها از هیچ مانع، فشار، تهدید، حملات و کشتاری باکی نخواهد داشت، بلکه مسیر خود را تا رسیدن به هدف نهایی با «اراده» طی خواهد کرد، اگر تحقق این هدف مستلزم پرداخت هزینه سنگینی نیز باشد، اما تسلیم نخواهند شد.

الهام احمد:

ایران در ناآرامی‌های شرق سوریه نقش دارد



الهام احمد یکی از سران کورد و رئیس کمیسیون اجرایی «مجلس سوریه دموکراتیک»، بازوی سیاسی «نیروهای دموکراتیک سوریه» گفت: درگیری‌های جاری در حومه استان دیرالزور رویدادهای جداگانه و موردی نیستند بلکه ما اسنادی را درباره نقش گروه‌های شبه نظامی وابسته ایران و رژیم سوریه را در دست داریم که در این ناآرامی‌ها نقش دارند.

ملی شده و از این طریق توجه مردم را از اعتراضات جنوب سوریه منحرف کنند». او تاکید کرد ایران و رژیم سوریه در وهله اول به دنبال بیرون راندن نیروهای آمریکایی از شرق سوریه هستند، در حالیکه این منطقه وضع امنیتی درست و حسابی ندارد و محافل بین‌المللی باید به این موضوع توجه کنند و اولویت را به برقراری صلح و گفتگو با همه طرف‌ها در این برهه دشوار بدهند.

الهام احمد گفت: «گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به ایران به دنبال ایجاد ناآرامی و ناامنی در سراسر منطقه بوده و می‌خواهند اینطور وانمود کنند که عرب‌ها و کوردها درگیر یک کشمکش

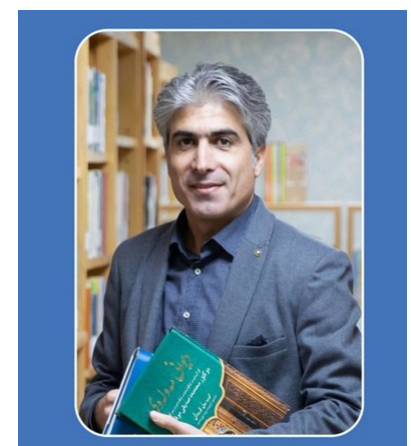
اخراج و رد صلاحیت دکتر بهروز چمن‌آرا

از هیأت علمی دانشگاه کوردستان

رئیس سابق پژوهشکده کوردستان شناسی و از اساتید گروه زبان و ادبیات کوردی دانشگاه کوردستان در نامه‌ای به ریاست دانشگاه کوردستان اعلام کرد که به دلایل غیر علمی و غیر دانشگاهی عمدتاً برآمده از نگرش‌های امنیتی‌سازی یا سیاسی برخی نهادهای خارج از دانشگاه، از صدور حکم استخدامی او ممانعت به عمل آمده است و در اقدامی برنامه‌ریزی شده با هماهنگی حراست دانشگاه و «اداره کل اطلاعات استان» از دانشگاه اخراج و از هیئت علمی رد

صلاحیت شده است. بنا به گزارش «کوردپا»، این استاد دانشگاه توسط نیروهای اطلاعاتی رژیم بازداشت و پس از حدود یک هفته موقتا آزاد شده بود. بنا به این گزارش، آقای چمن‌آرا به دلیل حمایت از انقلاب «ژن، ژیان، آزادی» و قرائت بیانیه اساتید دانشگاه کوردستان در اعتراض به سرکوب و بازداشت دانشجویان به زبان آلمانی بازداشت شده بود.

رئیس سابق پژوهشکده کوردستان شناسی و از اساتید گروه زبان و ادبیات کوردی دانشگاه کوردستان در نامه‌ای به ریاست دانشگاه کوردستان اعلام کرد که به دلایل غیر علمی و غیر دانشگاهی عمدتاً برآمده از نگرش‌های امنیتی‌سازی یا سیاسی برخی نهادهای خارج از دانشگاه، از صدور حکم استخدامی او ممانعت به عمل آمده است و در اقدامی برنامه‌ریزی شده با هماهنگی حراست دانشگاه و «اداره کل اطلاعات استان» از دانشگاه اخراج و از هیئت علمی رد



«دکتر بهروز چمن‌آرا» اهل ایلام،